



گوگل فراتر از زمان

مطالبی جامع در مورد گوگل

گردآورنده : مهندس محمد مردانی

تاریخ تهیه : 1388/10/2

منبع : www.noodix.com

www.Noodix.com

مقدمه :

با عرض سلام به تمام خوانندگان کتاب گوگل فراتر از زمان . شاید در جهان امروز چیزهایی باشد که بدون آنها زندگی برای افراد جوامع مشکل یا غیر ممکن باشد. احتمالاً یکی از این موارد اینترنت خواهد بود که در این زمانه به یکی از پرمخاطب ترین وسایل ارتباط جمعی مبدل شده .

اینترنت که در عرض 10 سال به مهمترین وسیله تجارت الکترونیک تبدیل شده و در تمام جهان امکان دسترسی به آن وجود دارد یکی از مهم ترین مسائل مهم در تمام دنیا مبدل شده.

در این میان سایت هایی هم توانسته اند با تلاش های زیاد به پرمخاطب ترین های جهان تبدیل شوند طوری که خیلی از این سایت ها از شبکه های تلویزیونی هم بیشتر مخاطب دارند .

یکی از این سایت های معروف گوگل است . گوگل شاید یکی از سایت هایی باشد که کاربران خود را به گونه ای عجیب وادار می کند تا برای چند بار به این سایت مراجعه کنند و از امکانات آن استفاده کنند . همین مسئله باعث شد تا به این فکر بیافتم که کتابی در این مورد تهیه کنم تا همگان با روش هایی که گوگل در کار خود دارد بیشتر آشنا شوند.

امیدوارم از مطالب کتاب استفاده لازم رو ببرید.

محمد مردانی

Mmnooddy2006@gmail.com



نوع شرکت	اینترنت
تأسیس	کالیفرنیا (۴ سپتامبر ۱۹۹۸) میلادی
وبگاه	http://www.google.com/

گوگل شرکتی آمریکایی است که از طریق تبلیغاتی که به همراه خدمات متنوع خود ارائه می‌کند و یا فروش همان خدمات، بدون فرستادن تبلیغات، کسب درآمد می‌کند. این خدمات شامل مواردی چون جستجوی اینترنتی، ایمیل، نقشه برخط، نرم‌افزارهای اداری، شبکه‌های اجتماعی و اشتراک فایل‌های ویدئویی می‌شود.

تاریخچه

دو دانشجوی دکترای دانشگاه استنفورد، یعنی لری پیج و سرگئی برین، گوگل را در سال ۱۹۹۸ تأسیس کردند. این شرکت خصوصی در ماه ژوئن ۱۹۹۹ / تیر ۱۳۷۹ رسماً با سرمایه تأسیس ۲۵ میلیون دلار معرفی شد. این شرکت همراهانی را چون کلایر پرکینز کاوفیلد و سیکوال کپیتال را پیدا کرد. گوگل سرویس و خدمات عمومی اصلی خود را در وب سایت خود در www.google.com ارائه می‌دهد. این شرکت همچنین سرویس جستجوی پیشرفته را برای فراهم سازی اطلاعات محتوایی نیز www.google.com ارائه می‌دهد.

محصولات گوگل

- [گوگل پست](#) (Google Mail-Gmail)
- [نوار ابزار گوگل](#) (Google Toolbar)
- [گوگل نقشه ها](#) (Google Maps)
- [گوگل ماه](#) (Google Moon)
- [گوگل مریخ](#) (Google Mars)
- [گوگل زمین](#) (Google Earth)
- [گوگل گفتگو](#) (Google Talk)
- [گوگل مستندات](#) (Google Docs)
- [گوگل ویدئو](#) (Google Video)
- [گوگل خواننده](#) (Google Reader)

- [نول \(Knol\)](#)
- [ابزار مدیر سایت \(Webmaster Tools\)](#)
- [تحلیل گر سایت \(analytics\)](#)
- [بلاگ \(blogger\)](#)
- [آلبوم وبی پیکاسا \(Picasa Web Albums\)](#)
- [فید برنر \(FeedBurner\)](#)
- [دفترچه یادداشت \(Notebook\)](#)
- [گوگل سایت \(Sites\)](#)
- [گوگل تمایل \(Trends\)](#)
- [گوگل تلفن همراه \(Mobile\)](#)
- [گوگل ادسنس \(Google AdSense\)](#)

کاربردهای گوگل

جست و جو میان سایت ها

مسلماً این کاری است که گوگل به خاطر آن در سراسر جهان معروف شده. قدرت جست و جوی عجیب و غریب و استفاده از تکنولوژی‌های به روز برای یافتن آن چیزی که شما می‌خواهید به آن برسید گوگل را به محبوب ترین موتور جست و جو گر دنیای مجازی معرفی کرده است. ماموریت گوگل ارائه بهترین تجربه جستجو در اینترنت بوسیله در دسترس و مورد استفاده قرار دادن عمومی اطلاعات جهان است. گوگل، ایجادکننده بزرگترین ماشین جستجوی جهان، سریعترین و آسانترین راه پیدا کردن اطلاعات روی اینترنت را ارائه می‌کند. با دستیابی به بیش از ۱,۳ میلیارد صفحه گوگل نتایج را در ظرف کمتر از یک دوم ثانیه به کاربران در سراسر جهان ارائه می‌کند. اکنون، گوگل روزانه به بیش از ۱۰۰ میلیون تقاضای جستجو پاسخ می‌دهد. برای استفاده از این امکان کافی است به این سایت بروید: [گوگل](#)

جست و جو در میان وبلاگ ها

بهتر است بدانید که اگر می‌خواهید دنبال موضوع خیلی خاصی باشید وبلاگ‌ها بهترین مکان برای جست و جوی شما هستند به همین منظور گوگل هم امکانی را برای شما فراهم آورده است که فقط در وبلاگ‌ها جست و جو کنید: [جست و جو بلاگ](#)

جست و جو برای عکس ها

آرشیوی از ۳۵۰ میلیون عکس که از سر تا سر وب گلچین شده‌اند. در این بخش شما راحتی می‌توانید حتی بصورت فارسی دنبال عکس مورد نظرتان بگردید. در اختیار قرار دادن امکانات فراوان برای تعیین نوع عکس، دستیابی شما را برای یافتن عکس آسانتر می‌سازد. یافتن عکس‌های مستهجن از طریق این امکان گوگل ساده نیست و این فیلترینگ خودکار گوگل مورد توجه بسیاری از کشورها قرار گرفته است. شما می‌توانید از طریق این آدرس به جست و جوی عکس‌های گوگل راه پیدا کنید: [جست و جو عکس‌های گوگلی](#)

جدید ترین نقشه ها

موقع مسافرت است و نیاز به یک نقشه خوب از ایران (یا هر جای جهان دارید) بهترین جا برای مراجعه سایت [نقشه گوگلی](#) است. البته نقشه‌های ایران گوگل هنوز خیلی دقیق نیست اما مطمئن باشید که با این حجم استفاده کاربران ایرانی از گوگل به زودی خیلی از ایرانی‌ها از این نقشه‌ها استفاده خواهند کرد.

گوگل داک

استفاده از این امکان برای کسانی مفید است که تمام روز به اینترنت متصل باشند و مشغله زیادی هم داشته باشند که احتمالاً شما جزو این دسته نیستید اما بالاخره ممکن است که کسی در خانواده داشته باشید که به این چنین امکانی نیاز داشته باشد پس دست به کار شوید و امکان جدید گوگل را به وی معرفی کنید: یک دفتر کار مجازی با همه امکاناتی که می‌خواهیم در یک دفتر کار داشته باشیم. سری به سایت [سند گوگلی](#) بزنید.

گروه‌های گوگلی

شاید بگویید که این امکان گوگل یک کپی برداری از سایت یا هو باشد اما مسئولان سایت گوگل در جواب گفته‌اند که این نیاز برای کاربران جمیل گوگل حس می‌شد پس گروه گوگل را هم راه انداختیم. گروه‌های گوگلی یک فضای مجازی برای شماست تا بتوانید با دوستانتان ارتباط تنگاتنگی داشته باشید. مثلاً می‌توانید با بچه‌های مدرسه یک گروه به نام مدرسه تان راه بیندازید و هر روز در مورد اخبار مدرسه در آن گفت و گو کنید. البته برای استفاده از این امکان نیاز به جمیل دارید. [گروه گوگلی](#).

دنیای عکس در دنیای مجازی

اگر عکاسید، یا به عکاسی علاقه دارید، یا دنبال عکس‌های خیلی خاص هستید یکی از بهترین فضاهای دنیای مجازی را گوگل به شما تقدیم می‌کند. کافی است به این آدرس [عکس گوگلی](#) سری بزنید، نرم افزار این امکان را دریافت کنید و از آن به بعد هر چی که دلتان می‌خواهد عکس‌هایی که گرفته‌اید را در معرض تماشای کل دنیا بگذارید (نگران نباشید! این امکان در دست شماست که بگویید برای چه کسانی نمایش داده شود). البته برای این کار هم نیاز به جمیل دارید که وقتی که نرم افزار را دریافت کردید می‌توانید به راحتی از طریق آن جمیل بسازید.

موبایل گوگلی

اگر موبایل با امکان GPRS دارید مثل ایرانسل و می‌خواهید پنج شنبه و جمعه را در اینترنت به صورت مجانی گشت بزنید؛ گوگل برای شما که موبایل دستتان گرفتید یک امکان جدا گانه در نظر گرفته‌است: [موبایل گوگلی](#). حالا دیگر نیاز نیست از تمام امکانات گوگل به راحت ترین وجه ممکن می‌توانید بهره مند شوید.

زمین در اختیار شماست

تجسم کنید که می‌توانید تمام کره زمین را در عرض چند دقیقه بگردید و هر جایی که می‌خواهید را ببینید. مطمئن باشید شما ژول ورن دوم نیستید که «سفر به دور کره زمین در چند دقیقه» را نوشته‌اید بلکه یک کاربر از [زمین گوگلی](#) هستید که می‌توانید با داشتن یک اینترنت پر سرعت هر جای کره زمین را از آن بالا (یعنی توسط ماهواره) ببینید. شک نکنید، تنها کاری که باید بکنید گرفتن نرم افزار آن است. حال شما صاحب زمین هستید. ماه و مریخ را هم می‌خواهید؟ بعد از این که گوگل امکان دیدن زمین را برای مردمان کره خاکی فراهم آورد و با استقبال شدید آن‌ها روبرو شد به فکر این افتاد که همین کار را هم با ماه و مریخ انجام دهد. به [ماه گوگلی](#) و [مریخ گوگلی](#) سری بزنید و ببینید که آب و هوا در آن جا چگونه است؟ خیلی عالی بود به نظر من شما هم امتحان کنید

آب و هوا

صفحه کار گوگل را از این سایت [آب و هوای گوگلی](#) دانلود کنید تا بتوانید به سریع ترین وجه ممکن از قدرت جست و جوی گوگل و هم چنین آب و هوای شهر تان (حتی در ایران) با خبر شوید.

بلاگر

یکی از محبوب ترین سایت‌ها برای نوشتن وبلاگ سایتی است به نام [بلاگر](#). جالب است که بدانید که این سایت متعلق به گوگل است. پس اگر می‌خواهید که وبلاگ شما در صدر موارد جست و جوی گوگل قرار گیرد این سایت بهترین گزینه‌است.

اندروید

اندروید نام [سیستم عاملی](#) است که گوگل با همکاری ده‌ها شرکت دیگر برای گوشی‌های [تلفن همراه](#) می‌سازد. اندروید بر پایه لینوکس ساخته شده‌است.

چرا گوگل پیشرفت می کند ؟

زمانی که سر آشپز معروف گوگل، معروف به شف چارلی، در سال 1999 در گوگل استخدام شد کارمند شماره 40 بود و تنها برای کمتر از 50 نفر در گوگل غذا می پخت اما در ماه می 2005 که گوگل را بمنظور تاسیس تعدادی رستوران زنجیره ای ارگانیک و با سرمایه و کمک مالی میلیون دلاری سایر کارمندان گوگل ترک می کرد برای بیش از 1500 نفر غذا سرو می کرد.

تا زمانی که در گوگل بود رابطه نزدیکی با کشاورزان و دامداران منطقه بهم زد و همواره بهترین و سالمترین و تازه ترین ها را از آنها می خواست، جالب است:

تمام گاوها باید فقط علف بخورند تا گوشتشان کم چربی باشد، تمام خوکها باید عاری از نیترات باشند چراکه نیترات باعث سرطان می شود، و تمام ماهی ها (ماهی برای رشد و بهبود کارکرد مغز انسان بسیار موثر و مفید است) را باید با قلاب و در حالت وحشی (و نه با تور و گروهی) صید کنند تا مزه ی بهتری داشته باشد.

این اواخر 5 کمک آشپز و 40 آشپز زیردستش بودند و خودش بیشتر اوقاتش را در دفترش و یا در میتینگها و جلسات اداری صرف می کرد.

اوایل که به گوگل آمده بود همه کارها از پختن نان تا تهیه منوها را به تنهایی انجام می داد و حالا دلش برای آنروزها تنگ شده بود. روزنامه های مهم از جمله نیویورک تایمز و اکونومیست و صدها سایت و وبلاگ، چارلی را می شناسند و با او گفتگو کرده اند.

اهمیت نقش چارلی در گوگل همتراز بالاترین مقامات مالی آن موسسه است. هزاران کارمند محلی و بین المللی گوگل متولد دورافتاده ترین نقاط دنیا هستند با انواع آلرژی ها و سلیقه ها، شادابی فیزیکی و مغزی آنها اهمیتی اساسی در پیشرفت مالی گوگل دارد بنابراین تلفیق درستی از تغذیه سالم و الگوریتم دقیق، در تراز مالی هر شرکتی جواب می دهد.

بویژه اینکه تمام غذاها و امکانات ورزشی، پزشکی، مهد کودک، و غیره کارمندان گوگل کاملاً مجانی است.

گوگل به کارمندان اجازه داده تا 20 درصد از وقت کاری روزانه شان - و یا یک روز کامل در هفته - را به پروژه ها و کارهای مورد علاقه خودشان، که ربطی به شغل شان ندارد، اختصاص بدهند تا فکرشان باز و رابطه شان با دنیای غیر کامپیوتری بیشتر شود.

بهنگام حاملگی هم تا 75 درصد حقوق را به خانم ها می پردازند. بطور کلی کار کردن در گوگل بیشتر شبیه زندگی غیر رسمی در محیط دانشگاه و خوابگاههای دانشجویی است.

مهندسین گوگل اجازه دارند در هنگام کار هرگاه دوست دارند کمی چرت بزنند تا مغزشان فرصت بیشتری برای مرور و تفکر داشته باشد.

تفریحات و مسابقه های ورزشی والیبال و غیره که باعث شادابی و تحرک بیشتر خون به مغز می شود هم جزئی از سیاست های هفتگی در گوگل است. یکی از این ورزش ها wetLand walk (پیاده روی در جنگل و پارک) است.

مجتمع اصلی گوگل در Mountain View پنج کافه تریای اصلی دارد و قرار است که 14 کافه دیگر هم ایجاد شوند. نهار در تمام آنها و صبحانه و شام در بعضی کافه ها مجانی سرو می شود. این کافه ها روزانه در حدود 1500-2300 صبحانه و نهار و شبها 600-800 شام مجانی سرو می کنند و 85 درصد کارمندان گوگل در آنها حضور می یابند و معمولا هم حدود 125 درصد غذا تهیه می شود (یعنی 25 درصد غذای اضافه برای ویزیتورها و میهمانها).

ناهار را بین ساعات 11:30 – 2:30 سرو می کنند که بیشترین طرفدار را دارد اما صبحانه و شام کمتر طرفدار دارد. (در خانه صرف می شود).

به هنگام نهار تمامی کارمندان گوگل کنار یکدیگر می نشینند و تجربه ها و پروژه هایشان را با هم در میان می گذارند. این باعث می شود که همه از پروژه های آینده گوگل با خبر می شوند و کمتر کسی است که بی خبر از تجارب و پروژه های دیگران باشد. جالب اینکه سرگی برین (یکی از دو بنیانگذار گوگل) گیاهخوار است.

انبارهای مخصوص سرشار از انواع و اقسام سبزیجات، میوه، گوشت و مرغ و ماهی و میگو و خرچنگ و دهها نوع ادویه جات از سراسر دنیا، همگی تر و تازه و صد در صد اورگانیک و اکثرا پرورش یافته در مزارع نزدیک لوکیشن گوگل (که باعث رونق اقتصادی آنها هم شده)، انواع و اقسام تنقلات (بادام و گردو و ...) و انواع مختلف شیرینی جات و حبوبات و دانه های گیاهی تازه و ارگانیک، و انواع سرکه های 10-12 ساله طبیعی و روغن گل آفتابگردان، و خلاصه بیش از 200 نوع مختلف دستور پخت غذا، روزانه چند هزار کارمند گوگل را زیر نظر خانم Amyjo Johnson متخصص تغذیه گوگل سرو می کنند .

محیط کاری گوگل بیشتر شبیه مهد کودک هاست و غذاخوری هایش شبیه نوعی سازمان ملل . همه چیز در گوگل طبیعی و ارگانیک است حتی صابون ها و محلول های ظرفشویی اش.

اینروزها نوع مخصوصی از چای آرامبخش بنام kombucha هم در کافه تریاهای گوگل طرفداران زیادی پیدا کرده که انرژی را و تمیزکننده هم هست. ...

تغذیه در گوگل، بویژه بهنگام استخدام مهندسين کامپیوتر، نقشی استراتژیک و اساسی دارد:

بهنگام استخدام، یک بروشور ارائه می شود بنام "How to Care for Your Big, Wonderful High-Performance Brain". (چگونه از مغز بزرگ و فعال تان مواظبت کنید).

در سر لیست این بروشور، توصیه های غذایی مهمی شده از جمله استفاده اکید از غذاهایی که اسید آمینه زیاد دارند همچون ماهی آزاد (mackerel) و ماهی سمون (salmon) و گردو و سبزیجاتی که برگ های سبز زیاد دارند و روغن گل آفتابگردان (منوی کافه تریاهای گوگل سرشار از این نوع مواد غذایی است).

توصیه های دیگری هم می کنند :

دوری از سرب و محیط هایی که سرب دارند (سرب بتدریج باعث از بین رفتن سلول های مغز می شود)، و تکان دادن انگشت های پا (اینکار به فعال شدن و تحریک مغز کمک می کند) اتفاقا به همین دلیل است که اکثر کارمندان گوگل بهنگام کار دمپایی به پا می کنند تا انگشتان شان را راحتتر تکان بدهند!!!

طراح لوگوهای گوگل کیست؟

سال‌هاست که کاربران اینترنت با لوگوهای خلاقانه و زیبای گوگل که به خاطر مناسبت‌های خاص، مثل نوروز یا سالگرد فروپاشی دیوار برلین، درست شده‌اند آشنا هستند

دنيس هوانگ، طراح اين لوگوها مشهورترين هنرمند گمنام جهان است. روزانه بيش از ۱۸۰ ميليون نفر در سراسر جهان طرح‌هاي دنيس هوانگ را مي‌بينند؛ طرح‌هاي زيبا و خلاقانه‌اي که با ديدن هر کدام از آنها ليخندي بر گوشه لب مي‌نشيند و براي هوشمندی و نگاه تازه خالقشان به نشان احترام کلاه از سر برمي‌دارند .

دنيس هوانگ را مشهورترين هنرمند گمنام جهان مي‌دانند، جوانی ۳۱ ساله، کره‌ای تبار و متولد آمریکا که امروزه یکی از مهم‌ترین کارمندان گوگل است .

لوگوهای دنيس که به مناسبت روزهای خاص و تاریخی بر صفحه آغازین گوگل نقش می‌بندند، برای تمام کاربران این موتور جستجوی نامدار آشناست. گوگل به این لوگوهای خاص نام "خط خلی (Doodle)" را داده است .

به گفته اعضای گوگل، هر روزی که یکی از طرح‌های جدید هوانگ بر صفحه گوگل نقش می‌بندد، سیل نامه‌های طرفداران است که سرازیر می‌شود. هوانگ سالانه شخصا ۵۰ طرح می‌کشد، زیرا در اصل هم‌اکنون او مسئول سایت گوگل است و طراحی تنها به بخش کوچکی از کار او تبدیل شده است .

بیش از ۴۰ نفر در مرکز گوگل در کالیفرنیا برای هوانگ کار می‌کنند و او مسئول هر آن چیزی است که در صفحه گوگل به چشم می‌خورد، از لینک‌ها گرفته تا تبلیغات. به عبارت ساده‌تر، دنيس هوانگ رئیس تمام مسئولین سایت گوگل در سراسر جهان است؛ یک رئیس جوان با صورتی پسرانه و خنده‌رو .

با اینکه هوانگ ۳۱ سال دارد، اما هنوز هم به نظر همان پسر ۲۲ ساله‌ای می‌آید که یک تابستان به عنوان کارآموز در گوگل شروع به کار کرد؛ او بانمک، سرشار از انرژی و خلاق است، یعنی درست همان خصوصیاتی را داراست که اصولا سایت گوگل دارد !

مرد سوزان گوگلی

البته دنيس هوانگ اولین طراح "خط خلی" در گوگل نیست، بلکه لری پیچ و سرگگی برین،

پایه‌گذاران گوگل، خود در این زمینه پیشکسوت به شمار می‌روند. در سال ۱۹۹۸ زمانی که گوگل هنوز پا نگرفته بود و کسی آن را به درستی نمی‌شناخت، این دو یک بار تصمیم می‌گیرند به یک جشنواره هنری به نام (Burning Man مرد سوزان) در صحرای نوادا بروند .

چون پیچ و برین در آن زمان کارمندی نداشتند که در غیابشان در دفتر حضور داشته باشد، روی سایت یک مرد سوزان را در میان حروف گوگل جا می‌دهند تا به این وسیله اعلام کنند که به این جشنواره رفته‌اند. این ابتکار به حدی طرفدار پیدا می‌کند که این دو نفر تصمیم به ادامه این کار می‌گیرند. از آن روز به بعد البته دو قانون برای لوگوهای گوگل وضع می‌شود: عدم کوچک شمردن یک موضوع و همینطور مذهبی نبودن .

به گزارش دویچه‌وله، زمانی که دنیس هوانگ، فارغ‌التحصیل دانشگاه استانفورد، برای گذراندن یک دوره کارآموزی به گوگل می‌آید، گوگلی‌ها متوجه می‌شوند که این پسر جوان در دانشگاه به جز رشته کامپیوتر در رشته هنر هم تحصیل کرده است. از آنجایی که در آن زمان لوگوهای گوگل توسط گرافیکست‌ها کشیده می‌شدند، به هوانگ این مسئولیت داده می‌شود که دستی به سر و گوش این لوگوها کشیده و آن‌ها را در سایت قرار دهد .

دنیس هوانگ خود معتقد است که در زمان مناسب در جای مناسب حضور داشته، زیرا او همیشه آینده خود را به عنوان یک هنرمند آزاد که فیلم‌های انیمیشن می‌سازد، تصور می‌کرده است. جو خلاقانه حاکم بر گوگل و کارمندانی که هر کدام در ذهنشان به اندازه چندین نفر ایده دارد، این شهامت را به هوانگ می‌دهد تا ایده‌های خود را برای لوگوهای گوگل به برین و پیچ ارائه دهد .

روز ۱۴ ژوئیه سال ۲۰۰۰ نخستین لوگوی طراحی شده توسط هوانگ به مناسبت روز استقلال فرانسه روی سایت گوگل نمایان می‌شود. استعداد وی تا آن اندازه برین و پیچ را جذب می‌کند که پس از پایان دوران کارآموزی به وی پیشنهاد می‌دهند به استخدام گوگل درآید .

گوگلی شدن یک رویداد کم‌سابقه

هوانگ تعریف می‌کند، یک بار یکی از مسئولین سایت گوگل در استرالیا تاریخ برگزاری یک مسابقه اسب‌دوانی بسیار معروف در این کشور را فراموش کرده بود، وی با او تماس می‌گیرد و سفارش یک لوگوی ویژه می‌دهد. مشکل اصلی فقط در یک نکته بوده است و آن این که این مسابقات دو ساعت بعد برگزار می‌شدند! هوانگ در عرض ده دقیقه یک لوگوی ویژه طراحی می‌کند و به این ترتیب لوگوی سایت گوگل در استرالیا به طرح این مسابقه اسب‌دوانی در می‌آید .

البته در شرایط عادی هوانگ برای چنین موقعیت‌های اضطراری وقت چندانی ندارد. برای همین هم او یک تیم طراحی دارد که کار اصلی‌شان تهیه لوگو به شمار می‌رود. نکته مهم‌تر این که هوانگ همیشه هم نمی‌تواند در عرض ده دقیقه یک لوگو طراحی کند و برای برخی مناسبت‌ها همچون جام‌جهانی فوتبال به گفته خودش به چند هفته زمان نیاز دارد .

هر چند ماه یک بار هوانگ همراه با مدیران گوگل جلسه‌ای برگزار می‌کند و در تقویم‌ها به دنبال مناسبت‌هایی می‌گردد که شرایط لوگو شدن را دارند. البته در این میان نباید نقش کاربران گوگل و پیشنهاداتشان را نادیده گرفت. برای نمونه یک بار در یک شب تابستانی یک منجم فرانسوی با هوانگ تماس می‌گیرد و به او اطلاع می‌دهد که در طی چند ساعت آتی ونوس از مقابل خورشید عبور می‌کند؛ اتفاقی که هر ۱۲۲ سال روی می‌دهد.

این بار هم هوانگ دست به کار شده و تخته نقاشی دیجیتالی خود را به دست می‌گیرد و حرف O در لغت گوگل را به شکل یک خورشید با یک لکه سیاه روی آن در می‌آورد که یعنی سایه ونوس روی خورشید افتاده است. او سپس این طرح را به برین و پیج نشان می‌دهد و پس از کسب رضایت رؤسا، این طرح روی سایت گوگل می‌نشیند و به این ترتیب جهان از یک واقعه بی‌نظیر آگاه می‌شود.

(GoogleBot روبات جستجوگر گوگل) چیست؟



WWW.NOODIX.COM

بدون شک هریک از ما هنگامی که موضوعی را در اینترنت جست و جو کرده ایم با لیست مفصلی از اطلاعات مواجه شده ایم که در بیشتر مواقع با دریافت مطالبی که در صدر فهرست هستند به مقصود خود رسیده ایم. گوگل به عنوان

مهم ترین مخزن اطلاعات جهان از مکانیسم های ویژه های برای طبقه بندی و نیز اولویت گذاری مطالب استفاده می کنند GoogleBot. روبات جست و جوگری است که فهرستی طبقه بندی شده از مطالب و موضوعات گوناگون را به کاربر ارائه می دهد.

در واقع مانند یک روبات خزنده عمل می کند بدین ترتیب که در بین صفحات سایتها حرکت کرده و تمامی اطلاعات را در یک محل ذخیره می کند و برای استفاده آسان تر فهرستی از آنها تهیه می کند. بدین منظور ابتدا GoogleBot در بین شبکه ها حرکت کرده و مطالب گوناگون را جست و جو کرده و پیدا می کند. کلمات پیدا شده در روی هر صفحه در قالب فهرستی طبقه بندی شده ذخیره می شوند، بدیهی است این فهرست بسیار بزرگ خواهد بود و در یک پایگاه اطلاعاتی بسیار بزرگ ذخیره می شود .

GoogleBot به صفحات پیمایش شده شماره ای مشخص می دهد و کلمات گوناگون را بر اساس حروف الفبا فهرست بندی می کند. با پیمایش هر صفحه، موضوعات و مطالبی جدید به این فهرست اضافه می شود. هنگام جست و جو برای فهرست کردن مطالب، گوگل به طور اتوماتیک فضاهای خالی، برخی علامات و نقطه گذاری ها، کلمات تکراری را حذف می کند و تمامی حروف را به حروف کوچک تبدیل می کند. این مساله خود باعث سرعت بیشتر خواهد شد. آخرین مرحله، پاسخ به درخواست کاربر است. هنگامی که کاربر در رابطه با موضوعی پرسشی می کند یا کلمه خاصی را در محیط گوگل تایپ می کنند GoogleBot به جست و جو در فهرست تهیه شده، می پردازد و هر آنچه را که در پایگاه داده های خود ذخیره کرده است بر اساس اولویت تعیین شده در اختیار کاربر قرار میدهد. بدیهی است با استفاده از این روش شاخص گذاری سرعت دسترسی به اطلاعات بسیار بالا می رود زیرا هنگام جست و جوی مطلبی خاص گوگل ابتدا در فهرست الفبایی خود به دنبال کلمه مورد نظر گشته و سپس بر اساس شاخص یا آدرس مشخص آن را در پایگاه داده های خود می یابد اما برای اولویت بندی مطالب، گوگل چندین فاکتور را در نظر می گیرد که طراحی مناسب، داشتن پیوندهایی دقیق به سایت های دیگر، اعتبار و شهرت سایت و نیز میزان استقبال کاربران از آن سایت را می توان نام برد. در بین فاکتورهای تعیین کننده اولویت، آنچه از همه موارد مهم تر است پیوندهای مناسب صفحات یک سایت به سایت های دیگر است که هر اندازه دقیق تر و همچنین از تعداد بیشتری برخوردار باشد آن سایت از جایگاه بالاتری در فهرست جست و جو برخوردار است. عامل مهم دیگری که باعث صدرنشینی سایتی می شود میزان جست و جو و دیدن آن از طرف کاربران است. در واقع هر چه میزان استقبال از آن بیشتر باشد در اولویت بالاتری قرار خواهد گرفت. این مساله که چگونه GoogleBot در بین اطلاعات به دست آمده فهرستی تهیه می کند و با چه منطقی اطلاعات را اولویت بندی می کند موضوع بسیار جالبی است که شرکت گوگل هزینه و وقت زیادی را صرف آن کرده است.

این متنی است که گوگل برای معرفی خودش ارائه داده

درباره ی گوگل

ماموریت گوگل ارائه بهترین تجربه جستجو در اینترنت بوسیله در دسترس و مورد استفاده قرار دادن عمومی اطلاعات جهان است. گوگل، ایجادکننده بزرگترین ماشین جستجوی جهان، سریعترین و آسانترین راه پیدا کردن اطلاعات روی اینترنت را ارائه می کند. با دستیابی به بیش از 1.3 میلیارد صفحه گوگل نتایج را در ظرف کمتر از یک دوم ثانیه به کاربران در سراسر جهان ارائه می کند. اکنون، گوگل روزانه به بیش از 100 میلیون تقاضای جستجو پاسخ می دهد .

دو دانشجوی دکترای دانشگاه Stanford، یعنی لری پیج و سرجی برین، گوگل را در سال 1998 تاسیس کردند. این شرکت خصوصی در ماه جون 1999 / تیر 1379 رسماً با سرمایه تاسیس 25 میلیون دلار معرفی شد. این شرکت همراهانی را چون کلایدر پرکینز کاوفیلد و سیکوال کپیتال را پیدا کرد. گوگل سرویس و خدمات عمومی اصلی خود را در وب سایت خود در www.google.com ارائه می دهد. این شرکت همچنین سرویس جستجوی پیشرفته را برای فراهم سازی اطلاعات محتوایی نیز ارائه می دهد .

درباره تکنولوژی گوگل

تکنولوژی متحول جستجوی گوگل و طراحی اینترفیس مطلوب برای کاربران، گوگل را به به عنوان بخش از ماشینهای جستجوی نسل جدید تبدیل کرده است. فراتر از استفاده از تکنولوژی کلمات کلیدی، گوگل براساس تکنولوژی PageRank نیز پایه گذاری شده، که این تکنولوژی باعث میشود تا نتایج مهمتر در یک جستجو اولتر دیده شوند .

PageRank یک سنجش معقولی را برای اعتبار صفحات وبی که بر اساس معادله برابری 500 میلیون متغیر و بیش از 2 بلیون شرایط محاسبه شدند را ایفا میکند PageRank. از ساختار لینک عظیم وب به عنوان ابزار سازماندهی استفاده میکند. وجود، گوگل تفسیر میکند یک لینک را از صفحه A تا صفحه B به عنوان یک vote توسط صفحه A برای صفحه B. دوسیله این، گوگل تشخیص میدهد توسط vote که کدام صفحه مهمتر است. همچنین گوگل این صفحات را تجزیه و تحلیل میکند .

مجتمع گوگل، روشهای جستجوی خودکار انسداد اینترفیس دستی است. برخلاف ماشینهای جستجوی دیگر، گوگل ساختار بندی شده تا نتایج جستجوی را به بهترین شکل برای تجارت ارائه دهد. یک جستجوی گوگل راهی است برای جستجوی وب سایتی با کیفیت مطلوب و بالا .

گروه مدیریت

دکتر اریک ا. اشمیت، رئیس کل و رئیس هیئت مدیره
لری پیج، کمک موسس و رئیس، محصولات
سرجی برین، کمک موسس و رئیس، تکنولوژی
امید کردستانی، معاون رئیس، توسعه تجاری و فروش
وینی روسینگ، معاون رئیس مهندسی
سیندی مک کفری، معاون رئیس، ارتباطات
جوان بردی، معاون رئیس، خدمات جستجو
تیم آرمسترون، معاون رئیس، فروش آگهی
اورس هولتز، شخص گوگل
کریگ سیلورشتاین، مدیر تکنولوژی

معنی گوگل

گوگل بر گرفته شده از کلمه Googlo که به معنی "یک عدد یک و صد صفر جلوی آن" است که توسط میلتون سیروتا پسر خواهد ادوارد کاسنر ریاضیدان آمریکایی اختراع شده است. این موضوع که "یک عدد یک و صد صفر جلوی آن" در واقع نوعی شعار و در واقع مقصود موضوع است. بدین معنی که گوگل قصد دارد تا سرویس ها، اهداف و اطلاع رسانی و اطلاعات خود را تا آن مقدار در وب در جهان گسترش دهد.

داستان موفقیت گوگل، داستانی تکرار نشدنی است.



ده سال قبل در روز هفتم سپتامبر 1998، دو فارغ التحصیل جوان دانشگاه استنفورد شرکتی را با نام عجیب "گوگل" تاسیس کردند. امروز لری پیج و سرگی برین میلیاردر هستند، و شرکت آنها فوق العاده سود آور است؛ تنها بین ماه های آوریل و ژوئن سال جاری گوگل گزارش کرد که درآمدی بالغ بر 5.7 میلیارد دلار داشته است که سود خالص آن به 1.25 میلیارد دلار بالغ می شود.

این مبلغ برای شرکتی که آگهی های اینترنتی منتشر می کند و در این راه واسطه گری انجام می دهد، مبلغ بسیار زیادی است.

البته جزئی از راز موفقیت شرکت گوگل، الگوریتمی است که بر اساس آن موتور جستجوی این شرکت، در اینترنت به دنبال اطلاعات می گردد.

این شرکت آنچنان جهان را تغییر داده که مردم دیگر در اینترنت به دنبال چیزی "نمی گردند" بلکه اطلاعات را "گوگل" می کنند و "گوگل کردن" در لغت نامه ها جای گرفته است.

اما رمز موفقیت گوگل به تنها این مسئله محدود نمی شود.

(این نوشته تحلیل خوبی از گوگل داده، منتهی در سایت بی بی سی - بخش فارسی درج شده که در ایران مسدود است. برای همین باز نشر شده است.)

تاریخ نشر ششم سپتامبر 2008

راز جادویی موفقیت

برای گوگل، تکنولوژی های مورد استفاده این شرکت در ابزارهای اطلاعاتی، به آن امکان می دهد که گستردگی، سرعت، و کارآمدی عملیات خود را بیشتر کند که این موضوع برای گوگل به اندازه الگوریتمهای جستجو اهمیت دارد.

عمده درآمد گوگل از طریق تبلیغات بر اساس موضوع مورد جستجو به دست می آید



پس از آن هم باید به دو ابزار نرم افزاری این شرکت که منبع درآمد اصلی آن محسوب می شوند اشاره کرد: AdWords که در هنگام جستجو توسط سایت این شرکت، آگهی های تبلیغاتی را مقابل اطلاعات یافته شده به نمایش می گذارند، و AdSense که امکان انتشار آگهی های هوشمند گوگل را در سایتهای دیگران فراهم می کند.

مهمترین چیز درباره اصول کاری گوگل آن است که فضای آگهی را نه به ثروتمندترین متقاضی، بلکه به لینک‌هایی اختصاص می‌دهد که بیش از دیگران به موضوع مورد جستجو ارتباط دارند.

این مسئله نه تنها کاربران گوگل را راضی تر نگه می‌دارد، بلکه باعث می‌شود احتمال کلیک کردن کاربر بر روی لینک‌های تبلیغاتی افزایش یابد و عملاً درآمد گوگل نیز بیشتر شود.

هرچند برخی منتقدان گوگل را شرکتی تک بعدی می‌دانند و معتقدند ممکن است هر آن موتورهای جستجوی بهتر و جدیدتری به بازار عرضه شوند، اما عملکرد گوگل باعث شده تا این سایت از مقام محبوب‌ترین سایت جستجو در جهان پایین نیاید. آرزوی‌های واقعی گوگل

گوگل مدعی است جاه طلبی‌هایش به کسب درآمد سریع از طریق اینترنت محدود نمی‌شود.

گوگل در منشور شرکت خود مدعی است: "هدف این شرکت سازماندهی کردن اطلاعات جهان و فراهم کردن امکان دسترسی به این اطلاعات در سرتاسر جهان است."

در طی سالها گوگل مجموعه‌ای از ابزارهای نرم‌افزاری اینترنتی را ارائه کرده است: Gmail برای ارسال پست الکترونیک، Google Docs برای واژه پرداز و تولید صفحات گسترده، Picasa برای ویرایش تصویر، Google Earth و Google Maps برای جستجوی امکان و نقشه‌ها، Blogger و Youtube تنها بخشی از سرویس‌های ارائه شده توسط گوگل هستند.

شاید چندی قبل این فهرست بیشتر به شاخص یک رشد اتفاقی شباهت داشت، اما اکنون مشخص است که با هر جستجویی که ما انجام می‌دهیم و هر ابزاری که استفاده می‌کنیم، به گوگل کمک می‌کنیم اطلاعات بیشتری جمع‌آوری کند و صنوعات جامعه اطلاعاتی ما را سازماندهی کند.

هزینه‌ای که جامعه می‌پردازد

هر جستجویی که کاربران از طریق گوگل انجام می‌دهند به موتورهای جستجوی این شرکت اطلاعات بیشتری برای طبقه‌بندی اطلاعات خواهد داد.

اما از سوی دیگر هرچه گوگل اطلاعات بیشتری داشته باشد، مشتریان راضی‌تر خواهند بود، بر روی آگهی‌های آن بیشتر کلیک خواهد شد، گوگل درآمد بیشتری کسب خواهد کرد و پول بیشتری نیز برای سرمایه‌گذاری در خدمات جدید و "مجانی" خواهد داشت و در نهایت بهتر می‌تواند کاربران را بفربید تا اطلاعات بیشتری به گوگل بدهند.

هرچند آقایان پیچ و برین قول می‌دهند که گوگل "می‌تواند بدون انجام اعمال خلاف هم درآمد کسب کند" اما سوال‌ها درباره ایمنی اطلاعات شخصی کسب شده از طریق گوگل که در ابزارهای اطلاعاتی گسترده این شرکت حفظ شده‌اند، باقی خواهند ماند.

حرکت یا به پای اینترنت

گسترش گوگل به گسترش اینترنت وابسته است و امروزه، با وارد شدن تلفن‌های همراه، قاب عکس‌های دیجیتال و حتی یخچال‌ها به محدوده فیزیکی اینترنت، نمی‌توان مرز مشخصی برای اینترنت تعریف کرد.

به این ترتیب نقشه راه گوگل تدوین شده به نظر می‌رسد: این شرکت به تازگی مرورگر اینترنتی خود به نام کروم را منتشر کرد. هدف کار مرورگرها نشان دادن صفحات وب است، اما گوگل می‌گوید کروم امکان اجرای برنامه‌های پیچیده‌تر را نیز در محیط اینترنت فراهم می‌کند.

اما مهم‌تر از کروم نرم‌افزاری به نام اندروید است. این نرم‌افزار درواقع سیستم عاملی برای تلفن‌هایی است که قابلیت اتصال به اینترنت را دارند و گوگل مدعی است، دلیل ساخت آن این است که تلفن‌های همراه "هوشمند" امروز برای استفاده از اینترنت موبایل ساخته نشده‌اند و گوگل در تلاش است این خلأ را با اندروید پر کند.

شریک یا رقیب؟

این شرکت که 10 سال قبل توسط دو دانشجو تاسیس شد، اکنون به اندازه‌ای بزرگ است که می‌تواند به اهداف تعیین شده



دست پیدا کند. در پایان سال 2007 شمار کارمندان گوگل 16800 نفر بود و گزارش شده بود که هر هفته حدود 100 نفر به مجموعه کارمندان آن اضافه می‌شوند. اما با نفوذ گوگل به جنبه‌های بیشتری از زندگی مدرن ما، شرکت‌های بیشتری در صنایع بیشتری به این فکر خواهند افتاد که آیا گوگل یک شریک تجاری است؟ یا یک رقیب؟ یا نابودکننده مدال‌های تجاری موجود؟

با در نظر گرفتن عملکرد فعلی گوگل می‌توان شعار این شرکت را اینطور تعریف کرد که "ما هر کاری را بهتر از شما انجام می‌دهیم - آنهم مجانی."

حتی بزرگترین رقبای گوگل هم تحت فشار قرار دارند: از جمله مایکروسافت که انتشار مرورگر اینترنتی جدید آن (اینترنت اکسپلورر 8) تحت تأثیر انتشار کروم قرار گرفت، و حتی یاهو که مجبور شده تبلیغات در سایت خود را به گوگل واگذار کند و برخی از درآمد خود را با این شرکت شریک شود.



حکومت سه نفره

اریک اشمیت فردی است که برای قطع نشدن درآمد گوگل تلاش می کند حتی در شرایطی که جهان با رکورد اقتصادی مواجه است، گوگل کماکان انتظار دارد که به واسطه تعداد زیاد مشتریان و موفقیت گسترده خود، از درآمدهایش کاسته نشود و به اعتقاد آنها این ساختار سنتی رسانه است که باید بخاطر جمع بستن مخاطب و داشتن تلقی عام از آن نگران باشد. به همین دلیل و برای اطمینان دادن به سرمایه گذاران در این شرکت، مدیران گوگل قول داده اند که آنها مانند یاهو به دام نخواهند افتاد و گوگل را به یک شرکت رسانه ای تبدیل نخواهند کرد.

اریک اشمیت، مدیرعامل گوگل می گوید: "قانون همیشگی ما این بوده که نباید مالک مطالب و آثار بود، بلکه باید با یک شرکت تولید کننده محتوی و مطالب شراکت کرد."

هرچند در برخی مواقع تمایز میان "رسانه سنتی" که عکس و تصویر تولید شده توسط خبرگزاری ها را منتشر می کند، با عکاسان مستقل و مخاطبان آنها، و یوتیوب و گوگل نیوز مشخص نیست، اما در حال حاضر اصلی که اریک اشمیت به آن اشاره کرد، اصلی انکار ناشدنی در فعالیت گوگل است.

دو موسس گوگل بر عملکرد فنی شرکت نظارت دارند و آقای اشمیت که فردی باسابقه در صنایع فن آوری محسوب می شود، شرایط ادامه کسب درآمد را فراهم می کند.

آقای اشمیت می گوید این سه مدیر باهم عهدی غیر رسمی بسته اند که تا حداقل 20 سال آینده در کنار یکدیگر بمانند؛ زمانی که به گوگل فرصت کافی می دهد تا موقعیت خود را بعنوان رکن اصلی اقتصاد اینترنتی ما تثبیت کند.

کمی بیشتر در مورد گوگل :

گوگل کار خود را به عنوان یک پروژه تحقیقات در اوایل سال 1996 به وسیله "لاری پیج" و "سرجی برین" که دو دانشجوی PHD از دانشگاه "استنفورد" بودند شروع کرد. آنها می خواستند فرضیه خود را در مورد اینکه "اگر موتورهای جستجو پایه و اساسشان بر روی تحلیل رابطه بین وب سایت ها باشد نتیجه بهتری نسبت به روش های رایج و کلی آن زمان داشت" را گسترش دهند. این روش را در اول نامیدند "BackRub" به خاطر اینکه سیستم لینکهای قبلی و داد شده را چک می کرد و اهمیت یک سایت را تخمین می زد. (در آن زمان یک موتور جستجو کوچکی به نام "RankDex" با همین استراتژی کار می کرد.)



آنان متقاعد شدند که صفحاتی که لینکهای

بیشتری به آنها از طرف صفحات معتبر دیگر داده شده دارای اهمیت و ارتباط بیشتری میباشند. "پیج" و "برین" تصمیم گرفتند ایده و فرضیه و یافته خود را بعنوان قسمتی از تحصیلات دانشگاهی برای موتور جستجوی خودشان انجام دهند.

دامین "www.google.com" را در پانزدهم سپتامبر سال 1997 ثبت کردند. سپس رسماً کمپانی گوگل را در هفتم سال 1998 در گاراژ یکی از دوستانشان در "Melno Park" در کالیفرنیا ایجاد کردند. سپس در فبریه سال 1999 کمپانی منتقل شد به دفتری در "165 University Avenue" در "پالوآلتو" به خانه شماری از "Silicon Valley Technology" و ادامه کار داد. گوگل در سال 1999 شکست بسیار بزرگی خورد، زمانی "altavista" مشهورترین موتور جستجو نزد کاربران مطلع بود. پس از این شکست گوگل دوباره به صورت درجه ای جدید بازگشت و آن کاربران را منحرف کرد. سپس مکان گوگل به سرعت هر چه تمام تر در "University Avenue" گسترش یافت. بعد گوگل در ساختمان های بسیار زیادی در کنار هم در "Amphitheater Parkway" سال 2003 مستقر شد.

موتور جستجو گوگل به خاطر سادگی و تمیزی طراحی (تقلید شده از "altavista" اولیه) و نتایج جستجو مرتبط آن در میان کاربران اینترنت جای بخصوصی برای خود باز کرد. در سال 2000 گوگل شروع کرده بود به فروش تبلیغات به وسیله فروش کلمات کلیدی که مرتبط و آشنا تر برای کاربران بود. تبلیغات بر اساس متون بودند تا صفحات دارای طراحی ساده و سبک و به اصطلاح "Fast-loading" باشند. مفهوم و ایده فروش کلمات کلیدی (Keywords) برای تبلیغات به وسیله "Overtrue" برای اولین بار بنیان گذاشته شده بود.

اینجا سابقاً "Goto.com" بود. هنگامی که بسیاری از دات کامها و دوستان داشتند سقوط می کردند، گوگل بی سر و صدا صعود و پیشرفت بسیاری کرد و درجهای بسیاری از سود و منفعت برایش باز شد.



[U.S. Patent 6,285,999](#) مکانیزم ارزشدهی گوگل

به صفحات (PageRank) در چهارم سپتامبر سال 2001 برنامه ریزی شد. حق امتیاز آن به صورت رسمی به دانشگاه استنفورد واگذار شد و در لیستهای "Laurence Page" به عنوان یک اختراع ثبت شد.

در فبریه سال 2003، "پیرا لیز" را که الان صاحب "[Blogger](#)" و مبتکر و هدایت کننده وب سایت فضا دهنده گوگل برای وبلاگ می باشد را بدست آورد. این دستاورد به نظر می آمد که هم طراز با ماموریتها و موقعیتهای کلی گوگل نباشد. هرچند که این حرکت توانایی کمپانی را برای بدست آوردن اطلاعات از این سو و آنسو از پستهای بلاگها تامین می کرد تا سرعت و روابط بین موضوعهایی که شامل "اخبار گوگل" می شود را بهتر کند.

در اوج موفقیت گوگل در اوایل سال 2004، او دارای بیشترین درخواست جستجو نسبت به "Yahoo!" و "AOL" و "CNN" که حدود 80 درصد می باشد را داشت. بخشی از مردم گوگل را در فبریه سال 2004 زمانی یاهو! تکنولوژی جستجو گوگل را به کنار گذاشت کنار گذاشتند تا نتایج مستلی بدست آورند. به خاطر افزایش جمعیت مدارک و استفاده کنندگان گوگل واژه "Google" در آمریکای شمالی به عنوان فعل و اسم دخیل به معنی "انجام دادن جستجو (مخصوصاً در موتور گوگل)" وارد زبان آنان (فکر کنم انگلیسی) شد.

گوگل کدهای اداره کننده اش را که موسوم به "Don't Be Evil" بود اظهار و فاش کرد. آنها سایتشان حاوی چیزهای خنده دار و جالبی از جمله طراحی و دگرگونیهای کارتونی در لوگوی خود برای موقعیتهای مخصوص (مثل نوروز امسال) و نمایش سایت با زبانهای ساختگی مانند زبان خنده دار "Kilington" و "Leet" و همچنین احمقانه ترین جکهای آپریل "در مورد خود کمپانی.

حدس زده می شود که واکنش و پاسخ گوگل به جستجوها یاهو! شخصی می شود. از اطلاعات شخصی مانند "Orkut , Gmail , Froogle" برای دادن نتایج بر اساس چیزهای شخصی استفاده می شود. در حقیقت، یک قسمت برای جستجوهای شخصی گوگل "beta" و "Google Labs" قرار دادند که به صورت آزمایشی در حال فعالیت می باشند.

ریشه یابی لغت گوگل

واژه "google" نزدیک به واژه "Googol" که به وسیله "میلتون سیروتا" که برادر زاده ریاضیدان بزرگ آمریکایی "ادوارد کانسر(1993)" بود ابداع شد تا عددی را نشان دهد که یک به دنبال آن 100 تا صفر باشد. استفاده گوگل از این لفظ ماموریت گوگل را برای سازماندهی کردن انبوهی از اطلاعات حاضر در وب بازتاب کرد. علاوه بر نمایش آن، ساختمان اصلی و دفتری گوگل "Googleplex" نامیده شد. گوگلپلکس از 1 هست تا "googol" تا 0 (100 تا صفر) و ساختمان اصلی دفتری آن متشکل است از تعداد و انبوهی از ساختمانهای پیچیده. (-cf "Cineplex" , "multiplex" و غیره)

اولین پیشنهاد فروش سهام به عموم و بازرگانی (IPO)

سرمایه گذاران عمده و اصلی گوگل که سرمایه ی اولیه بازرگانی را دادند "کلایئر پرکین کافیلد" و "بایرز" و "سرمایه سکویا" می باشند. در اکتبر سال 2003 هنگامی که بحث بر IPO (Initial Public Offering of shares) بود ، امکان پیشنهاد همکاری و ادغام دو کمپانی از طرف مایکروسافت بود و داده شد ولی به آن اندازه جامه عمل به خود نپوشید.

در ژانویه سال 2004 گوگل خبر داد از اجاره کردن "مرگان استنلی" و "گلدمن ساچز گروپ" منظم کردن IPO . آن IPO (یکی از بیشترین چیزهای که از آن انتظار می رفت در تاریخ) طرح ریزی شد برای بیشتر از 4 میلیارد دلار. بر اساس گفته بانکداری که در این معامله پی گیر بود، این معامله چیزی حدود 12 میلیارد جمع آوری سرمایه ی بازار را برای گوگل داشته است. (Market Capitalization).

در بیست و نهم آپریل سال 2004 گوگل "S-1 From" را با سیستمهای امنیتی و کمسیون بورسی برای یک IPO ضبط و بایگانی کرد تا آن را بالا ببرد به اندازه "USD \$2,718,281,828 (منظور دلار آمریکا)" (نکته جالب و خنده دار این است که این مقدار برابر عدد ریاضی $e =$

2.718281828... است!). ضبط و بایگانی این قضیه فاش شد زمانی که گوگل از سال 2001 سودی از \$105.6 میلیون دلار از سود سهام تا \$961.8 میلیون دلار تا سال 2003 بدست آورد.

در ماه می سال 2004 رسماً برای IPO از "گلدمن ساچز" و "مرگان استنلی" و "Credit Suisse First Boston" جدا شد تا در بیمه عضو شود (Underwriters). آنها اولین پیشنهاد خود (IPO) را به صورتی غیر معمول در مزایده قرار دادند (به طور کامل و دقیق در "Dutch Auction") و به همین ترتیب هر کسی می توانست در پیشنهادات شرکت کند.

بعد از مقداری لغزشهای اولیه که به خاطر تخصیصی بودن آن بنده ذکر نکردم، اولین پیشنهاد عمومی (IPO) گوگل در نوزدهم آگست سال 2004 19,605,052 سهم در هر سهم \$85 پیشنهاد می شد. از آن ، 14,142,135 (یک چیز خنده دار دیگر این بود که این مقدار برابر با $v_2 = 1.4142135...$ بود!) معلق بود در دست گوگل و 5,462,917 از فروش به سهام داران بدست آمد. این حراج رسید به \$1.67 میلیارد که از آن تقریباً \$1.2 میلیارد رفت برای گوگل. 271 میلیون سهم گوگل به دست خود گوگل کنترل و اداره می شد. آن IPO برای گوگل \$23 میلیارد از سرمایه بازار حاصل کرد . بسیاری از کارمندان گوگل به سرعت میلیونر شدند. به صورت جالبی Yahoo! هم که 2.7 سهم از گوگل داشت سود عظیمی بدست آورد. این کمپانی وارد بازار سهام و ارزی "NASDAQ" با نشان "GOOG" شد.

امروز گوگل

از آن IPO که آنان را میلیونر کرد به بعد ، سهام سرمایه بازاری گوگل بسیار صعود کرد و قیمت سهام به بیش از دو برابر افزایش یافت. در نوزدهم آگست سال 2004 مقدار برجسته سهم ها 172.85 میلیون بود. در ژانویه سال 2005 سهم ها به صورت برجسته ای از 100 میلیون به 273.42 میلیون افزایش یافته که 53% آن به دست داخلها گرفته شد که این وضعیت معلق را به 127.70 میلیون رساند (بیشتر از 110 میلیون سهم در اولین روز تجاری). گفته شده است که دو موسس و بنیانگذار چیزی حدود 30% از سهمها را گرفته اند. کمپانی هیچ خبری در مورد سهم های نگهداری شده در آمار Q3 2004 نداده است.

در یکم ژون سال 2005 سهم های گوگل سودی نزدیک 4 درصد بعد از "Credit Suisse First Boston" بدست آورد که قیمت هدف و نهایی آنان در سهام را به \$350 رسانید. در همین زمینه شایعاتی در جامعه ی تجاری گسترش یافت که گوگل به زودی داخل "S&P 500" می شود (منبع: [Google Shares Rise on New Price Target](#) L.A.Times). زمانی که کمپانی در لیست "S&P 500" اولین بود آنها به نوعی بیشترین قیمت سهام در کل بازار را تجربه کردند. در هفتم ژون سال 2005 گوگل ارزشی معادل با \$80 میلیارد یافت و این آنان را بزرگ ترین کمپانی مدیا در جهان به وسیله ارزش بازار سهام ساخت (حتی از "Time Warner" هم جلو افتادند!). البته اندکی بعد ، ارزش سهام آنان مقداری نزول کرد و دوباره "Time Warner" با ارزش تر شد.

درآمد کارمندان

حقوق کارمندی در گوگل، بررسی شده که کمتر از استاندارد صنعت است. به عنوان مثال ریس سیستم درآمدی کمتر از \$33,000–37,000 دارد که این مقدار از طبقات استاندارد "Bay Area" کمتر است.

هرچند، این حقوق کم این چشم انداز

ستاره ای گوگل در کارش ادامه به جذب درخواست

بیش تر از حال می کند

(در این رابطه بیشتر از "Bay Area" کمپا

نی ها). در نتیجه این طوری که گزارش

شده گوگل نقش بسزایی در شغلسازی

داشته است.(حتی برای وکیلان بی کار

و دنبال کار!)

مدیریت

به این صورت « شغل: اسم ، پاداش (در ژون سال 2005)، سن»

CFO (chief executive officer): Eric E. Schmidt ، \$82K ، 50

CFO (chief financial officer): George Reyes ، \$781K ، 51

ریس تکنولوژی: Sergey Brin ، \$45K ، 31

ریس تولیدات و محصولات: Larry E. Page ، \$45K ، 32

نایب ریس فروش جهانی: Omid Kordestani ، \$572K ، 41 (ایشان ایرانی هستند!)

نایب ریس شرکت توسعه و اطلاعات: David C. Drummond ، \$776K ، 42

طبق گزارشات رسیده شده "پیج" و "برین" در سال 2004 درآمدی برابر \$1 داشته اند. ولی بعد از آن IPO در آگوست سال 2004 بر اساس گزارش ها درآمد آنها به \$1 در ثانیه رسید. "پیج" و "برین" و "اسکمیدت" تمام پیشنهاد های اخیر را کاهش دادند و پاداش و درآمد گوگل را افزایش دادند.

منابع

John Tinker (Thinkequity Partners)

Michael Gallant (CIBC World Markets)

Steve Weinstein (Pacific Crest Securities)

Imran Kahn (J.P. Morgan Chase)

Heath Terry (Credit Suisse First Boston)

Marianne Wolk (Susquehanna Financial Group)

پیوست- اگر کسی خواهان دانستن و داشتن اطلاعاتی بیشتر درمورد فعالیت های گوگل از جمله "Philosophy" و "Twenty percent time" و "Googleplex" و "IPO and culture" و "Criticism and controversy" و "Copyright issues" و "Dispute with Agence France Presse" و "Multinational corporation" و "Legal issues" و "Partiality" و "Offensive search results" و "Privacy" و "The Sitemap system" و "PageRank system" و "Google and Wikimedia" و "Specific Searches" و "April Fool's Day jokes" و "Games with Google" می باشد ، در قسمت نظرها پیغامی گذاشته و درخواست کند.

وب سایت های کمپانی گوگل

[Google Initial Public Offering](#)

[Google.org](#) - بازوی گوگل

[Google Blog](#) - وبلاگ همراه با خبرها و داستان های کوتاه از گوگل تا کارمندان آن

[Google Store](#)

گفتگوی مجله تایم با مدیر و بنیان گذاران گوگل

شماره اخیر مجله معتبر تایم، اختصاص به گوگل داشت و چند گزارش، مقاله و گفتگو درباره غول صنعت جستجو به چاپ رسانده بود. اما شاید جالب ترین و مهم ترین بخش آن، گفتگوی این نشریه با مدیر و بنیان گذران این شرکت بود. این گفتگو در حین کنفرانس مالی اخیر این شرکت در سانفرانسیسکو انجام شد. چند ساعت تنفس بین سخنرانی ها کافی بود تا رهبران گوگل را به پای میز گفتگو بکشانیم. "اشمیت"، مدیر این شرکت، "سرجی برین" و "لری پی"ج بنیان گذاران گوگل. بر روی میزمان نیز تعداد زیادی لگو قرار داشت. همین موضوع باعث شد تا مهمانان در طول مصاحبه سرگرم شوند و سرآغاز خوبی برای شروع گفتگو ها بود.

تایم : شما در حال ساخت چه چیزی هستید ؟
برین : من در شروع امیدوار بودم بتوانم با این لگو ها يك رآكتور هسته ای درست کنم، اما گمان می کنم، بیشتر شبیه به يك ربات حامل اسلح بازوکا شده باشد.
پیج : من ترجیح می دهم با این لگو ها اشمیت را درست کنیم.

تایم : گوگل مسیر بسیار طولانی را طی کرده است. نظر شما درباره میزبانی و مدیریت هزاران کارمند چیست ؟
برین : من اعتراف می کنم که هرگز نگرانی درباره این موضوع نداشته ام. مخصوصا در محل بزرگی مثل مرکز ماسکون. به نظرم همه مسئولیت ها بخوبی توزیع شده است.

تایم : شما درباره لزوم وجود شفافیت در تجارت کاری خود حرف می زنید. شما دقیقا به چه مشکلی اشاره دارید ؟
اشمیت : با وجود تمامی خبرسازي هايي که داریم، اصلا دوست نداریم که موضع گیری هاي ما برای کسی مبهم باشد و یا او را غافلگیر سازد. ما دوست نداریم تا همکارانمان در سایر شرکت ها فکر کنند ما بر علیه آنها و برای شکست دادن شان فعالیت می کنیم.
برین : { لگویی را بالا می گیرد و می گوید }نگاه کنید، من تنها از لگو هاي شفاف استفاده می کنم.

تایم : گوگل در سال گذشته تعداد کارمندان خود را دو برابر کرده است. آیا در سال جاری نیز قصد دارید چنین افزایشی در تعداد پرسنل خود داشته باشید ؟

پیج : قطعاً. ما بدنبال انجام کار هاي فراواني هستیم و به همکاران زیادی نیازمندیم.
تایم : زیاد ؟ من فکر می کردم شما برای هر چیزی يك مقیاس دقیق دارید.
پیج : بله همین طور است. ولي بعضي وقت ها استفاده از يك معیار دقیق کمی مشکل است.

تایم : آیا کارتان برای شما هنوز جنبه سرگرمي هم دارد ؟
برین : ما در طول هاي سال هاي اخیر، یقینا بسیاری از صمیمت هاي پیشین را از دست داده ایم. وقتی تعداد پرسنل شما از 10 نفر به 100 نفر می رسد، دیگر امکان ندارد همه آنها را

خیلی خوب بشناسید. بنابراین در این سطح، بیشتر رسیدن به پیشرفت مورد نظر قرار می گیرد و صمیمیت ها کمرنگ تر می شود.

تایم : آیا استراتژی بزرگی برای گوگل تبیین شده است ؟ به نظر می رسد شما قصد دارید به هر جایی که می توانید وارد شود و محدودیتی ندارید ؟
اشمیت : ما بسیار تلاش می کنیم تا همگان فکر کنند که اوضاع از دستان خارج شده است و خودمان هم نمی دانیم دقیقا د حال چه کاری هستیم. اما واقعیت این است که در شرکت ما همه چیز مشخص و تعریف شده است. پیشروی های ما هم بر اساس آن صورت می گیرد. البته جزئیات این استراتژی قابل ذکر نیست، چون جزو اسرار کار ماست.
پیچ : ما عموما درباره استراتژی مان صحبت نمی کنیم. .. زیرا این مسئله واقعا استراتژیک است. ما واقعا ترجیح می دهیم که رقبا فکر کنند، ما دچار سردرگمی در کارهایمان شده ایم، تا اینکه فکر کنند همه چیز مرتب و برنامه ریزی شده جلو می رود. این یک تکنیک تجاری اصولی است.

تایم : افراد چقدر از گوگل برای دسترسی به مطالب و تصاویر هرزه نگاری استفاده می کنند ؟
برین : بسیار کم. در مقایسه با کل استفاده کاربران، درصد بسیار ناچیزی است. ما کلا فکر می کنیم، برای هر فرد بالغی بهتر است که بیشترین امکان دسترسی به چنین محتوایی وجود داشته باشد. این تصمیم با خود افراد است که سراغ چنین چیز هایی بروند یا خیر. اما ما می توانیم به افراد کمک کنیم تا در صورت تمایل چنین مطالبی برایشان فیلتر شود. البته هیچ تکنولوژی از جمله جستجوی safe search ما نمی تواند تضمین کند یک تصویر یا وب سایت صد در صد جزو دسته پرنوگرافیک قرار می گیرد یا نه.

تایم : از اینکه توانسته اید در عرض چند سال تبدیل به میلیارد شوید چه احساسی دارید ؟
برین : ثروتمند شدن موجب می شود تا بای شما سرگرمی های فراوانی بوجود بیاید. شما همیشه این مثل را شنیده اید که با پول نمی شود خوشبختی را خرید. اما من همیشه در پس ذهنم فکر می کنم که پول می تواند لااقل کمی در آمدن خوشبختی موثر باشد. با این وجود این همه حقیقت نیست. من اتوموبیل جدید خریدم، چون اتوموبیل قدیمی ام از مد افتاده بود. هیچ چیز بدتر از رانندگی با اتوموبیل قدیمی نیست.
پیچ : اگر ما واقعا تحت تاثیر پول فراوانمان قرار گرفته بودیم، مدت ها پیش شرکت را می فروختیم و با پول آن تا آخر عمر به عیش و خوشی می پرداختیم.

تایم : آیا شما فکر می کنید که از زمان زاه اندازی گوگل، شخصیت تان تغییرات زیادی کرده است ؟

پیچ : هیچ نکته نگران کننده ای وجود نداشت، تا اینکه تایم تصمیم گرفت گوگل را به روی جلد مجله ببرد. البته این فقط یک شوخی بود، اما حقیقتا من در حال حاضر می توانم با هر کس که بخواهم ملاقات کنم و با او حرف بزنم.
برین : لری در طی این سال ها خیلی شخصیت راحت تري پیدا کرده است.
پیچ : سرجی هم اعتماد به نفسش خیلی بالا رفته است.

تایم : ورود اشمیت به عنوان مدیر چه تاثیری بر مجموعه شما داشت ؟

بیج : موجب تغییراتی در نوع یادگیری ما شد.
اشمیت : من زمان ورودم دقیقا شش ماه طول کشید تا کاملا از نحوه کار و جریانات حاکم بر گوگل سر در بیاورم. آشنا شدن با ظرایف کار هم یکساله زمان برد. اکنون فکر می کنم همراه با لری و سرجی می بایست تغییراتی در روش مدیریت ایجاد کنیم.

تایم : برخی ها هنوز فکر می کنند اشمیت نقش اصلی را در زمینه مدیریت گوگل بر عهده ندارد؟
اشمیت : از زمان پیوستن من به گوگل این حرف ها وجود داشته است. پاسخ من این است که نتایج و پیشرفت های اخیر گوگل بهترین جواب به آنها است.
بیج : این دقیقا بهترین پاسخ ممکن است.

با مهارت بیشتری در گوگل جستجو کنید!

هر روز، وقتی آمارگیر وبلاگم را می بینم، متوجه می شوم که تعداد قابل توجهی از کسانی که با جستجو به صفحات وبلاگ می رسند، مهارت جستجوی مناسبی ندارند، مثلا خیلی ها موتور جستجوی گوگل را مانند یک انسان تصور می کنند و سؤالات محاوره ای می پرسند. با اینکه ممکن است این پست برای بعضی از شما چیز تازه ای نداشته باشد، ولی تصور می کنم، که اختصاص دادن یک پست در مورد آن، برای بسیاری سودمند باشد و سعی می کنم از این به بعد پست هایی را به مهارت های جستجو اختصاص دهم. یکی از ویژگی های موتور جستجوی گوگل، قسمت option آن است که کاربران کمتر به آن توجه دارند. وقتی شما کلیدواژه ای را جستجو می کنید در بالای صفحه options show را می بینید. وقتی روی این قسمت کلیک کنید در، ستون سمت چپ، صفحه جستجو گزینه های جالبی دارید که به کمک آنها می توانید، جستجوهای جالب تری خواهید داشت.

- جستجو در یک بازه زمانی خاص: گوگل در حالت معمول، نتایج جستجو را با توجه به page rank یا رتبه صفحه مرتب می کند. اما در بسیاری از موارد نیاز داریم که جستجو را محدود به یک بازه زمانی خاص کنیم. تصور کنید که بخواهید در مورد حادثه ای که در یک شهر اتفاق افتاده، جستجو کنید، طبعاً با جستجوی عمومی به خبر حادثه اخیر نمی رسید، اما اگر بتوانید جستجو را محدود به 24 ساعت گذشته کنید، به صفحاتی می رسید که در 24 ساعت قبل در مورد آن شهر نوشته اند.

من به دفعات، برای پیدا کردن لینک دانلود فیلم ها، از همین ویژگی استفاده می کنم، چون اگر جستجو را محدود به یک بازه زمانی کنیم، معمولا به صفحات کاذب کمتری می رسیم و به علاوه

می شود به لینکهای جدیدتری که فعال هستند و کیفیت ویدئویی بهتری از فیلم های تازه اکران دارند، رسید. شما علاوه بر اینکه می توانید از بازه های زمانی پیش فرش «24 ساعت اخیر»، «هفته اخیر» و «سال اخیر» استفاده کنید، یک محدوده زمانی دلخواه را هم انتخاب کنید. مثلاً در نظر بیاورید که بخواهید نقدهایی را که در مورد یک فیلم در زمان اکران نوشته شده، پیدا کنید، شما می توانید محدوده زمانی خاصی مثلاً ژانویه تا فوریه 2008 را انتخاب کنید. - جستجو در «فقط» وبلاگ و فوروم: شما می توانید از دیدن نتایج جستجو در سایتهای مختلف صرف نظر کنید و فقط در وبلاگ ها و سایت ها جستجو کنید.

- فقط در صفحاتی که ندیده اید، دوباره جستجو کنید: گاهی جستجوی ما خیلی دشوار و طولانی می شود و وقتی مجدداً پشت کامپیوتر قرار می گیریم و دوباره می خواهیم جستجو می کنیم، ترجیح می دهیم در صفحاتی جستجو کنیم که قبلاً در آنها نبوده ایم. - متن بیشتر: بعد از جستجو، به دنبال دیدن عنوان و نام هر صفحه، متن کوتاهی را می بینیم که خواندن آن به ما کمک می کند که دریابیم که صفحه پیدا شده، به کار ما می آید یا نه. اما شما می توانید با کلیک روی text more، متن بیشتری را ببینید و بخوانید. - دیدن عکس هایی از صفحات وب در کنار نتایج جستجو: با کلیک روی images from the page، می توانید در کنار هر نتیجه جستجو، عکس های بندانگشتی از صفحات پیدا شده، ببینید.

- خلاص شدن از شر سایت های تبلیغاتی: با کلیک روی fewer shopping sites، سایت های تبلیغاتی کمتری را به جای نتایج به درد بخور جستجو خواهید دید. گاهی سایت های فروشگاههای و تبلیغاتی، واقعا جستجوکننده را آزار می دهند، مثلاً همیشه در هنگام جستجوی لینک دانلود موسیقی و فیلم، این سایت ها را می بینیم. با این گزینه می توانیم تا حدی این مشکل را کمتر کنیم.

مصاحبه با اریک اشمیت مدیرعامل گوگل

اریک اشمیت مدیرعامل گوگل

نام: اریک

نام خانوادگی: اشمیت

تحصیلات: کامپیوتر دکترا

سن: 53 سال

سمت فعلی: مدیرعامل شرکت گوگل

دکتر اریک اشمیت، رئیس هیئت مدیره و مدیر اجرایی

دکتر اریک اشمیدت در آگوست 2001 -- شهریور 1380 -- یعنی بعد از پنج ماه از ملحق شدن ایشان به اعضای هیئت مدیره به عنوان رئیس اجرایی انتخاب شد. همچنین اشمیدت رئیس هیئت مدیر شرکت Novell است که ایشان به عنوان شخص مرکزی و تصمیمگیر در مدیریت و توسعه این شرکت به حساب میآید.

اشمیدت از شرکت Sun Microsystems به شرکت Novell در سال 1997 پیوست، ایشان در Sun سمت رئیس تکنولوژی را داشتند. در مدت خدمت ایشان به Sun که 14 سال طول کشید، ایشان موفقیت‌های اجرایی را در این شرکت ایفا میکرد که نتیجه آن کسب شناخت‌های بین‌المللی در توسعه تکنولوژی و اینترنت در ارتباط جمعیهای تجارت، دولت، تحصیلات، فرهنگ و علم و دانش بود. اشمیدت همچنین نقش بسیار مهم و اساسی را در بازار Java، زبان برنامه نویسی independent کامپیوترهای Sun را داشت.

قبل از پیوستن به Sun، اشمیدت جزو یکی از اعضای تحقیقاتی در لابراتوار دانش کامپیوتری شرکت Xerox Palo Alto Research Center (PARC) را داشت. او همچنین مقامهایی را در Bell Laboratories و Zilog نیز داشت.

اشمیدت دارای دکترای کامپیوتر و دیپلم عالی مهندسی برق از دانشگاه California در Berkeley است. ایشان لیسانس مهندسی برق خود را از دانشگاه Princeton دریافت کرده است.

گفتگو با اریک اشمیدت در خصوص رمز موفقیت گوگل

شرکتی که 9 سال قبل در همین روزها، با یک میلیون دلار سرمایه در یک گاراژ شروع به کار کرد، حالا 13 هزار نفر پرسنل تمام وقت دارد، گردش مالی سالانه‌اش به 10 میلیارد دلار و سودش به 3 میلیارد دلار می‌رسد و همه این کسب و کار را مدیون سایتی است که باز کردنش حتی با کندترین خط‌های اینترنت هم کمتر از 5 ثانیه طول می‌کشد.

Google حالا دیگر نه یک شرکت یا یک سایت، که یک فعل است؛ فعلی که خیلی‌ها در شبانه‌روز بیشتر از پرکاربردترین فعل‌های زبان مادری، مرتکب می‌شوند. روزی که گوگل اعلام کند دیگر دنبال چیزی نمی‌گردد، دنیا کم یا زیاد تغییر خواهد کرد. مدتی پیش، مجله فورچون، لیستی منتشر کرد از 100 شرکتی که بهترین شرایط کار را برای کارمندان‌شان فراهم می‌کنند و البته گوگل در رأس این فهرست قرار داشت؛ شرکتی که سال گذشته از بین یک میلیون و 100 هزار متقاضی کار، 2200 نفر را استخدام کرده است. شنیدن رازهای موفقیت و محبوبیت این غول اینترنتی، از زبان مدیرعاملش - اریک اشمیدت - می‌تواند جالب باشد.

48 سال پیش، پیتر دراکر، مفهومی را ابداع کرد که به نظرم ما در گوگل به دنبال پیاده کردن هرچه بهترش هستیم: «کارکنان دانش‌محور» با تعریف او کسانی هستند که فکر می‌کنند برای مؤثر بودن حقوق می‌گیرند، نه برای این‌که از 8 صبح تا 4 عصر کار کنند.

شرکت‌های هوشمند که در جذب و پرورش این افراد موفق باشند، خیالشان را از بابت در اختیار داشتن برگ برنده برتری در رقابت‌های تجاری 25 سال آینده راحت کرده‌اند.

در گوگل ما به دنبال همین برتری هستیم. آلان بچی هست بر سر این‌که آیا شرکت‌های بزرگ، کارکنان دانش‌محورش را بد مدیریت می‌کنند یا نه و هر شرکتی که قضیه را درست نفهمد یا جدی نگیرد کارش تمام است. چیزهایی که در ادامه می‌آید، 10 اصل کلیدی گوگل برای استفاده هرچه بهتر از کارکنان دانش‌محور است.

1- گروهی استخدام کنید: کسی که برای استخدام شدن به گوگل می‌آید، حداقل با 6 نفر مصاحبه می‌کند که اینها از بین کادر مدیران و همین‌طور همکاران بالقوه داوطلب انتخاب می‌شوند. اینجا نظر و عقیده همه در نظر گرفته می‌شود و این، فرایند استخدام را عادلانه‌تر می‌کند. درست است که کار بیشتر طول می‌کشد اما ارزشش را دارد. اگر آدم‌های بزرگی را استخدام کنید و نظرشان را در استخدام بقیه پیرسید، مسلم است که آدم‌های بزرگ بیشتری نصیبان می‌شود.

2- به فکر تک تک نیازهایشان باشید: به قول دراکر هدف اصلی برداشتن همه موانع از سر راه کارکنان دانش‌محور است. در گوگل فقط وسایل و لوازم کار مهیا نیست، غذاخوری‌های درجه یک، سالن‌های ورزش، لباسشویی، ماساژ، آرایشگاه، کارواش، خشکشویی، سرویس‌های رفت‌وآمد و خلاصه هر چیزی که یک کارمند سخت‌کوش ممکن است به آن احتیاج پیدا کند اینجا حاضر است. باید حقیقت را پذیرفت: برنامه‌نویس می‌خواهد برنامه بنویسد، نمی‌خواهد رخت‌هایش را بشوید پس بهتر است کاری کنید که بدون نگرانی هر دو را بتواند انجام بدهد.

3- کنار هم جمعشان کنید: تقریباً تمام پروژه‌های گوگل، کارهای تیمی است و تیم‌ها باید با هم در رابطه باشند. بهترین راه برای ساده کردن این ارتباط این است که اعضای تیم را در چند متري همدیگر بنشانید. در گوگل تقریباً هیچ‌کس دفتر کار اختصاصی ندارد. به این ترتیب وقتی یک برنامه‌نویس می‌خواهد با همکارش مشورت کند، دسترسی، آنی و بلافاصله است: بدون تلفن، بدون ایمیل و بدون انتظار برای جواب. حتی مدیرعامل گوگل - که خودم باشم - تا چند ماه دفتر اشتراکی داشت و باید بگویم نشستن کنار یک کارمند دانش‌محور، تجربه آموزشی فوق‌العاده‌ای بود.

4- هماهنگی را آسان کنید: چون اینجا همه اعضای یک تیم در چند قدمی هم‌اند، هماهنگی پروژه‌ها کار به نسبت آسانی است. علاوه بر مجاورت فیزیکی، هر کارمند گوگل (یا گوگلر) هفته‌ای یک ایمیل کوچک به بقیه اعضای گروهش می‌زند و آنها را از کارهایی که در هفته گذشته کرده است باخبر می‌کند. در چنین محیطی، تعقیب روند کار و انجام هماهنگی‌ها بسیار آسان‌تر است.

5- محصولات را مصرف کنید: کارکنان گوگل، به طور گسترده از ابزارها و محصولات شرکتشان استفاده می‌کنند. تقریباً تمامی پروژه‌ها و فعالیت‌های گوگل، یک صفحه وب داخلی دارد که در اختیار اعضای تیم پروژه است. سایر ابزارهای مدیریت اطلاعات هم در گوگل به وفور استفاده می‌شود که خیلی‌هايشان در نهایت به صورت یکی از محصولات شرکت درمی‌آید. مثلاً یکی از دلایل موفقیت Gmail این است که چندین ماه به صورت آزمایشی در خود شرکت مورد استفاده قرار می‌گرفت و چون ایمیل، ابزار بسیار مهمی در ارتباطات داخلی شرکت است، Gmail به تدریج طوری تغییر و ارتقا پیدا کرد که بتواند از عهده برآورده کردن نیازهای سخت‌گیرترین مشتریان برآید؛ مشتری‌هایی که همان کارکنان دانش‌محور ما بودند.

6- خلاقیت را تشویق کنید: مهندسان گوگل می‌توانند تا 20 درصد از وقتشان را صرف پروژه‌های شخصی کنند. البته پروژه باید تصویب شود و همیشه هم چیز مفیدی از آب در نمی‌آید، اما ما نمی‌خواهیم جلوی خلاقیت آدم‌های خلاق را بگیریم. یکی از سلاح‌های نه‌چندان سری گوگل، «فهرست ایده‌ها» است؛ یک صندوق پیشنهادات مجازی که مرتباً با ایمیل بین کارکنان ردوبدل می‌شود و هرکس می‌تواند ایده‌هایش درباره چیزهای مختلف- از فرایند پارک ماشین در شرکت گرفته تا محصول بعدی گوگل- را در آن بنویسد. نرم‌افزار صندوق، به همه اجازه می‌دهد که درباره ایده‌ها نظر یا به آنها امتیاز بدهند و به این ترتیب بهترین ایده‌ها به صدر فهرست می‌آید.

7- بکوشید به اتفاق نظر برسید: در اسطوره‌شناسی مدرن شرکت‌ها، کسی که به تنهایی تصمیم می‌گیرد، قهرمان است. ما همان ضرب‌المثل قدیمی را که می‌گوید: «چند نفر بیشتر از یک نفر می‌فهمند» ترجیح می‌دهیم. در گوگل، مدیر، گردآورنده دیدگاه‌هاست نه دیکتاتور تصمیم‌ها. رسیدن به اتفاق نظر، گاهی خیلی طول می‌کشد اما همیشه تیمی متعهدتر و تصمیم‌هایی بهتر به دست می‌دهد.

8- شرور نباشید: درباره این جمله- که شعار گوگل است- خیلی حرف‌ها زده شده ولی ما سعی می‌کنیم-مخصوصاً در رده‌های مدیریتی- با آن زندگی کنیم. اینجا هم مثل همه شرکت‌های دیگر، آدم‌ها دیدگاه‌های شخصی‌شان را دوست دارند اما بر خلاف تمرین‌های مدیریتی بعضی از شرکت‌های معروف، در گوگل کسی صندلی پرت نمی‌کند. [کنایه از اتفاقی است که در مایکروسافت افتاد]. هدف گوگل، رسیدن به جوی از احترام و بردباری است نه شرکتی پر از بله‌فربان‌گو.

9- راز اطلاعات استفاده کنید: در گوگل، تقریباً هر تصمیم بر اساس تحلیل‌های کمی گرفته می‌شود. اینجا سیستم‌هایی برای مدیریت اطلاعات هست و تحلیل‌گرانی که در میان این داده‌ها غوطه می‌خورند و برای به روز نگه‌داشتن ما، روند تغییرات همه چیز را نشانمان می‌دهند. غیر از این، هر بخشی از بازار که درگیرش هستیم، یک تابلوی آنلاین دارد که موقعیت ما را در بازار نمایش می‌دهد.

10- ارتباطات موثر داشته باشید: جمعه هر هفته یک گردهمایی همگانی در گوگل برگزار است شامل اعلام اطلاعات، معرفی اعضای جدید، پرسش و پاسخ و البته خوردنی و نوشیدنی. چنین جلساتی، مدیران و کارکنان دانش‌محور را در تماس و ارتباط با یکدیگر قرار می‌دهد. در مقابل پخش و انتقال گسترده اطلاعات در درون گوگل، نشأت اطلاعات به بیرون تاکنون بسیار کم بوده است. برعکس خیلی‌ها که فکر می‌کنند به کارمند وفادار باید اعتماد کرد، ما معتقدیم کارمندی که مورد اعتماد قرار بگیرد، وفادار هم خواهد بود.

راز موفقیت جهانی گوگل

آیا تا به حال ، نامی به گستردگی «گوگل» وجود داشته است؟ پدیده‌ای که تا چند سال پیش، موجودیت خارجی نداشت ، اما هم‌اکنون بخشی از ادبیات جهانی را به خود اختصاص داده است. همان گونه که عباراتی چون «من آن را گوگل کردم» یا «من این را گوگل کردم» یا «تو را گوگل کردم» به کار می‌رود. عبارت to Google به معنی به کار گیری جستجوی گوگل در اینترنت است. پروژه ایی که نخست در حد پروژه مدرسه ایی مطرح بود هم اکنون ثروتش به اندازه شرکت های جنرال موتورز و فورد رسیده است. این واقعیت سهمی را نشان می‌دهد که از زمان عرضه آن در بورس در ماه آگوست گذشته، دو برابر افزایش قیمت داشته است.

«سرجی برین»، بنیانگذار شرکت «گوگل»، يك كره الكترونيكي به ما نشان داد كه نمايش‌دهنده نقاط اوج

جستجوهای انجام شده در جهان بود که در هر لحظه صورت گرفته بود. دویست میلیون بار در روز، افراد در هر نقطه از جهان، از «گوگل» برای جستجو در اینترنت استفاده می‌کنند، نظیر یافتن دوست قدیمی، دوستی جدید، وسیله‌ای جدید یا یک ماشین دست‌دوم؛ برخی جستجوها جدی هستند و برخی سطحی و جزئی هستند.

با نگاهی به ادارات و شعبات گسترده «گوگل»، در حال حاضر تصور این مطلب را دشوار می‌سازد که شرکت بنیانگذاری شده چند سال پیش، همانی است که اساس آن، تنها توسط «برین» روسی‌تبار و «لاری پیج» ریخته شده بود و اینکه در یک گاراژ تغییر شکل یافته کار می‌کردند. برین به خاطر می‌آورد که میز اتاق هیئت مدیره، میز پینگ پنگ آنها هم محسوب می‌شد و با این حال دارای شبکه‌ای بود و همه چیز هم داشت.

همانند اوایل کار؛ که آنها خود را دانشجویان ژولیده می‌نامیدند؛ هنوز بسیاری از کارکنان «گوگل»، به دانشجویان نامرتب و ژولیده می‌مانند و مجموعه درونی «گوگل»، بیشتر شبیه به خوابگاه دانشجویی است تا مجموعه اداری یک شرکت، به گونه‌ای که در آن دوچرخه‌ها در راهروها قرار داشته و سگ‌ها نیز جایشان زیر میز کار است و جو و روحیه بازی در آن به چشم می‌خورد. علاوه بر بازی پینگ پنگ مسابقه والیبال نیز هر روز ظهر برگزار می‌شود.

«برین» اینچنین شرح می‌دهد: اینجا همان مکانی است که ما بیشتر وقت خود را در آن می‌گذرانیم پس برای داشتن یک زندگی مطلوب، باید رویه مطلوبی نیز برای زندگی کاری خود داشته باشیم؛ این برای ما، چنین معنی می‌دهد که در آن ورزش و هر چیز دیگری را بگجانیم.

مثلا گردش اسکی ما در جای خودش ثابت است. ما برای ورزش اسکی، یک مرخصی و تعطیلی قرار داده ایم که شامل همه کارکنان شرکت می‌شود که تقریباً تعداد آنها به 3000 نفر می‌رسد. فکر می‌کنم این تعداد نفرات برای اشغال کوه کافی باشد.

«گوگل» این روزها از عهده بسیاری از کارها برمی‌آید، به همین خاطر کارمندانش هم از حق انتخاب زیادی برخوردارند. هنگامی که سهام این شرکت به صورت عمومی درآمد، 1000 نفر از کارمندان «گوگل» میلیونر شدند، به گونه‌ای که «برین» 31 ساله و «پیج» 32 ساله به نحو قابل توجهی، هر کدام دارای ثروتی 6 میلیارد دلاری شدند. اما آنان هر کاری از دستشان برمی‌آید، انجام می‌دهند تا پول مایه آشفته‌گی و دل مشغولی‌شان نشود. «برین» در زمان شهرتش، به کارهای روزمره شرکت همان‌گونه می‌پردازد که پیش از این رسیدگی می‌کرده است. وی می‌گوید: هر کس بر پروژه خودش متمرکز است.

وقتی گزارشگر از یکی از مهندسان این شرکت می‌پرسد که پیش از این چه نقشی‌ای در سر داشته است، این مهندس گفت که تصمیم گرفتم، تمام جوراب‌های خودم را دور انداخته و جوراب‌هایی نو بخرم که همه لباس‌هایم با هم جور درآیند. این در حالی است که شاید این فکر در میان تمامی کارمندان وجود داشته باشد. در هر حال این تنها مورد ولخرجی است که در این مجموعه می‌توان دید.

«برین» می‌گوید که هنوز سوار ماشین کوچک ژاپنی خود می‌شود و اگر کسی در «گوگل» سوار ماشین فراری یا پورشه شود، احتمالاً از شرکت بیرون انداخته می‌شود. این حرف را «جان باتل»، موجر و پیمانکار شرکت‌های «سیلیکون ولی» می‌زند که به مدت 20 سال کار شرکت‌های اینچنینی را دنبال می‌کرده است.

او می‌گوید: تصورات زیادی در مورد رمز موفقیت «گوگل» وجود دارد که همه آنها به مسئله خلاقیت و ابتکار، اینترنت، اعتماد و اطمینان کارکنان برمی‌گردد و اینکه به فروش سهام خود یا به ثروتمند شدن سریعشان نمی‌اندیشند.

در این شرکت، فرهنگ خاصی حاکم است، مثلاً اگر کسی بخواهد یک اتومبیل کروکی مرسدس بنز نو بخرد و با صدای استریویی رانندگی کرده و چند روز کاری را به خاطر پولدار شدن تعطیل کند، رفتار قابل قبولی در «گوگل» به شمار نمی‌آید. او می‌گوید: به من اعتماد کنید، اگرچه در سر هر کدام از آنها اندیشه خرید یک اتومبیل کروکی مرسدس می‌گذرد، بلکه اما همیشه با آن مقابله می‌کند.

همچنان که این شرکت در کار خود پیشرفت می‌کند، کارمندان آن نیز به خاطر پول، دچار آشفته‌گی و حواس پرتی نمی‌شوند. در جریان عرضه سهام «گوگل»، نزدیک بود این شرکت از هم گسسته شود که بیشتر به دلیل ارائه محصولات جدید در هر هفته بوده است! از آن جمله دسک‌تاپ اختصاصی «گوگل»، قفل جدید و برنامه جستجوی میلیون‌ها کتاب از طریق اینترنت می‌باشد. «مریسا مایزر»؛ مدیر گوگل به ما نشان داد که چگونه می‌توان هر عکس هوایی را با هر آدرسی پیدا کرد.

مردم همیشه از ما می‌پرسند که «گوگل» چگونه پولدار می‌شود. «مایرز» در حالی که از طریق «گوگل» به جستجوی کلمه «گل‌ها» می‌پردازد، به ما نشان می‌دهد، چطور در سمت چپ صفحه نمایش «گوگل»، 10 سایت مربوط به گل‌ها ظاهر می‌شود. در سمت راست صفحه، مواردی است که «گوگل» آنها را لینک‌های پشتیبان می‌خواند. (در این مورد مقالات دیگری هم در سایت میکرو رایانه وجود دارد، به فهرست مقالات رجوع کنید) او می‌گوید: اینها همان موارد پولسازی است که برخی مردم خواهان شناختن آنها هستند. وقتی یک نفر بر یکی از لینک‌های پشتیبان‌یافته کلیک می‌کند، از سوی آن شرکت برای «گوگل» پول واریز می‌شود. این ایده یک تحول است؛ از یک سو، ارائه تبلیغ به مخاطب وجود دارد و از سوی دیگر، شخصی نیز هست که خواهان فروش آن چیزی است که مخاطبش می‌خواهد. برای هر کلیک، 5 تا 10 سنت در نظر گرفته شده است که تقریباً هر کس از عهده آن برمی‌آید.

«اریک اشمیت» 49 ساله که در سال 2001 استخدام شد و به عنوان رئیس هیأت مدیره گمارده شد، می‌گوید که قدرت بالقوه تبلیغ‌کنندگان تقریباً نامحدود است. مدارک زیادی وجود دارد که شرکت‌هایی که عضو «گوگل» هستند، از نوعی قدرت تجاری جدید نسبت به شرکت‌های بسیار کوچک برخوردار می‌شوند که در آن زمینه مناسب، مردم همدیگر را پیدا می‌کنند. اما فرق آن با گذشته این است که از مکانیزم‌های سنتی تبلیغات مثل تلویزیون یا رادیو استفاده نمی‌شود.

یک مثال، یکی از دوستانم به نام پیتز، کارت اعتباری خود را وارد کرد و 50 دلار برای یک لینک پشتیبان‌یافته، واریز کرد و برای نوع خاصی از قالیچه که همسرش آن را می‌بافد، آگهی داد. من به او گفتم که حتماً با من تماس بگیرد و از آخرین خبر مرا مطلع سازد. پیتز هم مرا باخبر کرد و گفت: من و همسرم بسیار به وجد آمدیم که با 50 دلار، این همه مشتری به دست آوردیم. من هم گفتم که بسیار خوب است، چقدر عایدتان شد؟ او گفت 100 دلار و من هم به آنها گفتم که چه درآمد عجیب و شگفت‌انگیزی! دوست من پیتز، تنها با یک مشکل مواجه بود و آن این بود که همسرش تنها می‌توانست سالی یک قالیچه ببافد.

اما میلیون‌ها نفر مثل پیتز وجود دارند و میلیاردها نفر نیز از نظر سرمایه و درآمد در دنیا یافت می‌شوند، «بیل گیتس»، مؤسس «مایکروسافت» تأیید می‌کند: «گوگل» تلنگری برای ما در موضوع جستجوی اینترنتی بود، البته گیتس این وضع را نمی‌پسندد. بنابراین نسخه اصلی یک موتور جستجوی مایکروسافت را عرضه کرده است.

«اشمیت» می‌گوید، «گوگل» هیچ احساس فشاری بر خود نمی‌کند. به عقیده او، کاملاً امکان آن وجود دارد که رقباي فعلی بتوانند حداقل برای چند سالی به خوبی با یکدیگر رقابت نموده و همزیستی داشته باشند.

استراتژی «گوگل» آن است که تهدیدات را از سوی «گیتس» حقیق و ناچیز شمارد، اما به معنای این نیست که «گوگل» قصد عقب‌نشینی داشته باشد. محصول جدید شرکت، یک قطعه نرم‌افزاری با عنوان دسکتاپ «گوگل»، تمامی فایل‌ها را در کامپیوتر شما سازماندهی می‌کند که این یکی از کارهایی است که برنامه ویندوز مایکروسافت هم‌اکنون آن را انجام می‌دهد. بر پایه گفته ماتل، دسکتاپ «گوگل»، نوعی مبارزه‌طلبی مستقیم در برابر مایکروسافت است. هیچ جای سؤالی هم در مورد آن نیست.

«گوگل» دارد به دنبال مایکروسافت حرکت می‌کند، اما آنها هرگز نمی‌گویند که دارند چنین کاری را انجام می‌دهند، زیرا نمی‌خواهند دیگران آنها را «مقلد» بخوانند؛ بلکه می‌خواهند مستقل عمل کنند و بنابراین جنگ آغاز شده است؛ با گوگلی که سربازانش سریع‌تر از سربازان مایکروسافت، نوآوری و ابتکار به خرج می‌دهند. «اشمیت» می‌گوید: همه تصور می‌کنند که ما مشغول رقابت در جنگ قبلی خود هستیم، در حالی که حقیقت امر آن است که قصد داریم چیزهای جدید اختراع کنیم. این روش کار «گوگل» است. هر ایده‌ای که من درباره به وجود آوردن یک محصول جدید دارم، از ایده‌هایی ناشی می‌شود که در گذشته داشتم. اما این نوع «گوگل» در ابتدا از کجا ناشی شده است و «گوگل» به کجا می‌رود؟

گوگل؛ از خانه اجاره ای تا موتور پول ساز



پارس آنلاین - بزرگ ترین موتور جستجوی جهان، **گوگل**، مکان شروع فعالیت خود را به دامنه ی امپراطوری به سرعت در حال پیشرفت خود در دره سیلیکان (محل ی دره سانتاکلارای کالیفرنیا با گسترده ترین تمرکز تجارت و کار و فناوری در جهان) می افزاید .

این مکان خانه ای است که «لاری پیج» و «سرگی برین» **بنیان گذاران گوگل**، حدود هشت سال پیش فعالیت خود را برای راه اندازی موتور جستجویی که جهان را متحول کرد، آغاز کرده اند .

شرکت **گوگل** در آن زمان یک خانه به مساحت 1900 فوت مربع را از فردی به نام «سوزان واجسیکی» که برای پرداخت قسط وام های خود به مبالغی پول نیاز داشت، با اجاره بهای 1700 دلار در ماه اجاره کرد .

خانم «واجسیکی» هم اکنون رییس مدیریت محصول شرکت **گوگل** است . او در آن زمان در **گوگل** کار نمی کرد و تنها «برین»، یکی از موسسان **گوگل**، را از طریق یکی از دوستانش که از فارغ التحصیلان دانشگاه استنفورد و هم کلاسی «برین» بود، می شناخت .

در طول 5 ماه کار «پیج» و «برین» در این مکان، این محل به خانه دوم آن ها بدل شده بود . پس از گذشت مدت زمان کوتاهی از اشتغال آنان در خانه ی سوزان، آنان به این فکر افتادند که بر روی موتور جستجوی **گوگل** کار کنند . البته در این مدت به یورش بردن به یخچال هوس انگیز «واجسیکی» یکی از بزرگ ترین تفریحات آنان بود . شاید همین تمایل شدید به خوردن خوراکی های رنگارنگ بود که امروز سبب تنوع غذایی 8000 کارمند این شرکت شده است .

زمانی که «پیج» و «برین» برای اولین بار به این مکان آمده بودند، **گوگل** تنها یک شرکت ثبت شده با سرمایه ی 1 میلیون دلاری به دست آمده از سرمایه **گذاران** این شرکت بود . اما امروز **گوگل** دارای یک پشتوانه ی 10 میلیاردی ثابت در بانک و سرمایه ی در گردش 125 میلیارد دلار در بازار است .

به نظر می رسد که دره سیلیکان برای سرمایه **گذاران** و موسسان شرکت ها یک دره ی مقدس است . چرا که شرکت hp در سال 1938 و «استیو جاب» و شریکش «استیو وازنیاک» **بنیان گذاران** شرکت اپل در سال 1970 نیز کار خود را در دفاتری در این دره آغاز کرده اند .

گوگل قیمت واقعی خرید این خانه را اعلام نکرده است، اما گزارش ها حاکی از آن است که خانه های اطراف این خانه بین 1 . 1 تا 3 . 1 میلیون دلار فروخته شده اند . این رقم در مقایسه با مبلغ 319 میلیون دلاری که **گوگل** در اوایل سال جاری برای خرید دفتر مرکزی خود در 6 مایلی این مکان به مساحت 1 میلیون فوت مربع پرداخته است، بسیار ناچیز است . گرچه این مکان هنوز به یک پایگاه تاریخی تبدیل نشده است، اما می تواند به یک جاذبه توریستی برای **گوگل** تبدیل شود .

گوگل برای آن که هجوم افرادی که مایل به دیدن این مکان هستند، موجب اخلاص در کار شرکت نشود، از خبرگزاری اسوشیتدپرس، ناشر این خبر، خواسته است که آدرسی از محل این خانه در اختیار خوانندگان قرار ندهد . جالب این جاست که کاربران اینترنت می توانند با استفاده از همین موتور جستجوی و جو به راحتی نشانی این مکان را بیابند . ممکن است که **گوگل** از این خانه به عنوان محل پذیرایی مهمانان خود استفاده کند . اما هنوز هیچ قطعی در این باره گفته نشده است . شاید هم این مکان ماترکی باشد برای بازماندگان **گوگل** در نسل های بعد .

مصاحبه با بنیان گذاران گوگل

لری ، فکر می‌کنی چه چیزی باعث شد تو در سنین بسیار پایین بتوانی تا این حد به رشد و پیشرفت دست پیدا کنی؟

راستش باید اعتراف کنم که من در محیط خوبی بزرگ شدم. پدرم پروفیسور علوم رایانه‌ای بود به همین دلیل همیشه در خانه رایانه های زیادی داشتیم. من از سنین کودکی با رایانه بزرگ شدم. در دبستانی که درس می‌خواندم فکر کنم من اولین کودکی بودم که توانستم با متن های تایپی Word آشنا شوم. کار با نرم افزار واژه پرداز برایم بسیار جذاب و سرگرم کننده بود. رایانه‌ای که نرم افزار واژه نگار بر روی آن نصب بود همیشه در دسترس من بود و معمولاً می‌توانستم با آن بازی کنم. برادر بزرگ‌تری داشتم که او هم به این برنامه علاقه‌مند شده بود. به نظرم محیطی که من از آن برخوردار بودم بسیار بی‌نظیر و متفاوت بود و بسیاری از مردم چنین فرصتی را در اختیار نداشتند. پدرم به دلیل شغلش بخش زیادی از درآمد خود را صرف خرید رایانه‌های جدید و این قبیل چیز ها می‌کرد. به نظرم سال ۱۹۷۸ میلادی بود و من فقط ۶ سال داشتم. فکر نمی‌کنم آدم های زیادی در سن و سال آن موقع من تجربه‌ای مثل من داشتند. از سنین کودکی همواره به نوآوری و اختراع علاقه داشتم. به همین دلیل بود که به فناوری علاقه پیدا کردم و البته کمی بعد که بزرگ‌تر شدم تجارت نیز برایم جذاب شد. زیرا دریافتم که اختراع وسایل و نوآوری به تنهایی کافی نیست و باید این نوآوری ها را به درون جامعه برد و تا زمانی که مردم از آنها استفاده نکنند فایده‌ای ندارند. احتمالاً از ۱۲ سالگی بود که به این نتیجه رسیدم باید شرکت خودم را تاسیس کنم.

چطور شد که در سنین کودکی دریافتی که باید مخترع شوی؟

من همیشه ایده‌هایی برای خودم داشتم. وقتی بچه بودم انواع و اقسام مجلات در منزلمان وجود داشت. در واقع به نوعی می‌توانم بگویم یک نوع درهم ریختگی بود. خوب در این شرایط می‌شد همه جور مطالب را خواند. من ترجیح می‌دادم "Popular Science" و یا مجلاتی مثل آن را بخوانم. در نتیجه به فناوری و نحوه کارکرد وسایل مختلف علاقه پیدا کردم. برادرم به من آموخت که چطور می‌توان دل و روده وسایل خانگی را بیرون ریخت و من هم این بلا را سر وسایل خانه در می‌آوردم! همین کارهای ساده بود که علاقه مرا به دانستن این که ابزار و وسایل چگونه کار می‌کنند بیشتر می‌کرد. یادم هست که وقتی خیلی بچه بودم یک روروک ساده الکتریکی [ماشین برقی کودکان] ساختم.

با این حساب در دوره کودکی رایانه ها اسباب بازی تو بودند!

بله! دقیقاً همین طور بود. بازی با وسایل الکترونیکی نیز جزو سرگرمی های کودکی من بود.



در پاسخ به سوال قبلی گفتی مجلاتی شبیه Popular Science را مطالعه می‌کردی. جز این ، چه مطالب دیگری را می‌خواندی که احتمالاً بر تو تاثیر گذار بوده‌اند؟

من تمام مجلات رایانه‌ای را مطالعه می‌کردم. دوست داشتم بدانم این ابزار و تجهیزات چگونه کار می‌کنند. در کل هر چیزی که با مکانیک یا الکترونیک ربط داشت برای من جالب بود. در دانشگاه با استفاده از یک سری کارتریج یک چاپگر جوهری ساختم چون قصد داشتم تصویری بسیار بزرگ چاپ کنم. مشکل این بود که با چاپگر های کوچک نمی‌شد تصاویر بسیار بزرگ را چاپ کرد. من به این فکر افتادم که با استفاده از کارتریج چاپگرهای جوهرافشان می‌توان تصاویر بسیار بزرگ را با قیمت بسیار پایین به چاپ رساند. بنابراین با استفاده از روش مهندسی معکوس کارتریج ها را از چاپگرها جدا کردم و یک چاپگر بزرگ ساختم. تمام بخش های مکانیکی و الکترونیکی آن را نیز خودم طراحی کردم. در واقع همیشه این کارها را دوست داشتم. این جور کارها بیشتر برای من جنبه تفریح و سرگرمی داشت. هنوز هم دوست دارم بتوانم این جور کارهای سرگرم کننده را تکرار کنم.

بدون شک تو استعداد خاصی در زمینه این کارها داری ، آیا این به دلیل آموزش هایی است که در دوران کودکی داشتی یا به خاطر والدین؟ خود تو چه توضیحی برای آن داری؟

حقیقت این است که من برادری دارم که ۹ سال از من بزرگتر است. او در دانشگاه میشیگان درس می‌خواند. همیشه هنگام بازگشت به خانه کلی تجهیزات الکترونیکی و ابزار آزمایشگاهی با خودش می‌آورد و معمولاً چیزهایی هم به من می‌داد. من در حین همین بازی ها بود که چیزهای زیادی درباره الکترونیک و رایانه یاد گرفتم به هر حال معتقدم که از این بابت آدم خوش اقبالی بودم.

در چه سنی مدری ارشد اجرایی شرکت گوگل شدی؟

در ۲۵ سالگی

سرگئی ، تو درباره خودت بگو. این که چه چیزی بیشترین تاثیر را بر تو داشت و در کودکی از چه چیزهایی بیشترین الهام را می‌گرفتی؟

راستش دوست دارم خودم را جوان بدانم اما حتی ۲۵ یا ۲۷ سالگی هم با استاندارد های امروز «سیلیکون ولی» یعنی کهولت! اگر به «نپستر» یا «یوتیوب» نگاه کنید می بینید خدای من ۲۰ ساله ها و حتی نوجوان ها چه کارها که نمی کنند. از وقتی که خیلی بچه بودم به رایانه علاقه داشتم یعنی از زمان دبستان که اولین رایانه را خریدم. بعد ها هم در دانشگاه در همین زمینه تحصیل کردم و دکترایم را در رشته علوم رایانه از دانشگاه استنفورد گرفتم. علاقه عجیبی داشتم که بدانم با این حجم عظیم اطلاعات که به یمن اینترنت در دسترس قرار گرفته است چه کارهایی می توان انجام داد. از دل همین انگیزه و اشتیاق بود که «گوگل» به وجود آمد. این کار را با کمک لری پیچ انجام دادم.

دوست دارم بدانم که به عنوان یک پسر بچه ، آن چه تو را بیش از هر چیز دیگری مجذوب خود می کرد چه بود؟

به عنوان یک کودک همیشه نوعی کنجکاوی علمی در من بود. همیشه به ریاضیات علاقه مند بودم ، عاشق حل مسائل ریاضی بودم. در دانشگاه هم در رشته ریاضیات و علوم رایانه تحصیل کردم. به نظرم به رایانه ها به این دلیل علاقه مند شدم که توانایی عظیمی برای انجام کارهای شگرف دارند. رایانه های شخصی امروزه میلیاردها محاسبه را در کمتر از یک ثانیه انجام می دهند. آن چه اکنون رخ داده است تقریباً غیر قابل باور می نماید و به نظرم همین جنبه شگفت انگیز کار بود که مرا به شدت مجذوب کرد. این که چطور می توان از این نیروی عظیم محاسباتی برای یک هدف سودمند و چیزی فراتر از بازی های ویدئویی و سرگرمی های معمول استفاده کرد.

یکی از ویژگی های بنیان گذاران گوگل جوان بودن آنها است. به همین دلیل باز سوالم را به نوعی دیگر تکرار می کنم: در چه سنی به این نتیجه رسیدی که می توان از این قابلیت عظیم رایانه ها به نحو سودمندتری استفاده کرد؟

به یاد دارم در سال هایی که مدرسه می رفتم دوست بسیار خوبی داشتم که هنوز هم با هم ارتباط داریم. او یک رایانه «مکینتاش» داشت و ما برنامه های ساده هوش مصنوعی را با آن اجرا می کردیم. برنامه ای نوشتیم که جواب سوال ها را می داد. یا مثلاً یک برنامه نوشتیم که نیروی جاذبه را شبیه سازی می کرد. همچنین برنامه ای نوشتیم که امروزه آنها را OCR می نامند. ما تمام این کارها را صرفاً برای سرگرمی و از روی کنجکاوی علمی انجام می دادیم. این کارها نخستین تجربیات تاثیر گذار در زندگی من بود.



پس این کارها را در اوقات فراغت و فقط برای سرگرمی انجام می دادی.

بله ، باید اعتراف کنم که بچه درس خوانی بودم و البته هنوز هم هستم.

خواهر و برادر هم داری؟

من برادری دارم که در سنین نوجوانی است و با من اختلاف سنی نسبتاً زیادی دارد. شاید من باعث شده باشم که او از رایانه ها و امور فنی فاصله بگیرد. او به چیزهای دیگری علاقه دارد و بیشتر وقت خود را به ورزش و آموختن زبان های بیگانه می پردازد.

در مورد کتاب هایی که خوانده ای به ویژه کتاب هایی که بیشترین تاثیر را بر تو داشته اند بگو.

وقتی خوب به گذشته نگاه می‌کنم می‌بینم که از کاب‌های «ریچارد فاینمن» لذت می‌بردم. او زندگی بسیار جالبی را تجربه کرد. این مرد علاوه بر تاثیرگذاری بسیار عمیقی که بر حوزه تخصصی خود داشت همواره ذهنی وسیع و همه جانبه‌نگر داشت. الان یکی از گفته‌های وی را به یاد آوردم که می‌گفت چقدر آرزو داشته مثل «لیوناردو داوینچی» باشد، یک هنرمند و یک دانشمند. به نظر بسیار الهام بخش است. چنین آرزویی سبب می‌شود آدم یک زندگی واقعی را تجربه کند. علاوه بر کتاب‌های فاینمن در زمینه داستان‌های علمی-تخیلی نیز کتاب‌های جالبی وجود دارد که از خواندن آنها لذت برده‌ام. از جمله «سقوط بهمن» اثر «نیل استفنسون» این کتاب به نظرم ده سال از زمان خودش جلوتر است و به نوعی پیش بینی اتفاقاتی است که در آینده رخ خواهند داد.

شرکت گوگل را در چه جایگاهی می‌بینی و دوست داری به کجا برسد؟

ماموریت ما در گوگل قرار دادن اطلاعات به نحوی مفید، سریع و آسان در دسترس همگان است و این یعنی تمام اطلاعات دنیا که بیش از یک میلیارد سند را شامل می‌شود، یعنی دسترسی به حجم عظیمی از اطلاعات. در هیچ مقطعی از تاریخ بشر دسترسی به این حد از اطلاعات تنها با صرف چند ثانیه امکان پذیر نبوده است. اما اکنون ما این امکان را به وجود آورده‌ایم. این کاری است که ما در گوگل مشغول انجام آن هستیم. امیدوارم روزی در آینده بتوانیم امکان دسترسی بلافاصله به هر نوع اطلاعاتی را برای هر کسی در سراسر جهان فراهم کنیم.

البته تردیدی نیست که این فقط شما نیستید که چنین آرزویی دارید. افراد دیگری هم بودند و هستند که این رویا را پی گیری می‌کنند. اما شما دو نفر کسانی بودید که تا حدودی در دستیابی به این هدف موفق شدید. چه چیزی باعث موفقیت شما شد؟

بله، این واقعیت دارد. تردیدی نیست که خیلی‌ها آرزو می‌کنند ای کاش می‌توانستند خودروپی ۵ دلاری بسازند که با سرعت ۵۰۰ کیلومتر در ساعت حرکت کند. خوب این آرزوی بزرگی است. اما باید بگویم که من واقعاً آدم خوش شانسی بودم، تحلیل حجم عظیمی از داده‌ها و استخراج الگوها و روند‌های حاکم بر آن. در همان زمان یعنی در سال ۱۹۹۵ بود که لری پیچ هم به استفورد آمد و دانلود کردن از اینترنت را آغاز کرد. داده‌های اینترنتی یکی از جالب‌ترین داده‌هایی است که می‌توان در آن کاوش و جستجو پرداخت. تلاش مشترک ما و مشاهده داده‌های موجود در اینترنت از روی کنجکاوی منجر به شکل‌گیری ایده‌ای شد که با کمک آن توانستیم جست و جو در اینترنت را بهبود ببخشیم. ما فناوری را در اختیار داشتیم که به کمک آن عملیات جست و جو در وب سریع‌تر و دقیق‌تر می‌شد، به همین دلیل به موضوع علاقه‌مند شدیم. بعد به این مسئله فکر کردیم که یک جست و جوی مناسب در اینترنت چه مزایا و منفای را می‌تواند به همراه داشته باشد. از آن زمان بود که مدام بهبود فناوری‌های گوگل را پی‌گیری کردیم تا این که به گوگل امروز رسیدیم و البته روند بهبود و ارتقای فناوری‌ها را در آینده نیز ادامه خواهیم داد.

چگونه شما نیاز به موتور جست و جوی چون گوگل را پیش از دیگران فهمیدید؟

لری پیچ: خوب در واقع پاسخ سوال شما به مجادله‌ای بسیار بزرگ در زمینه جست و جوی اینترنتی باز می‌گردد. در واقع ما اصلاً کارمان را با ساختن یک موتور جست و جو شروع نکردیم. اوایل سال ۱۹۹۵ بود که من گردآوری اطلاعات مربوط به پیوند (لینک)‌های اینترنتی را شروع کردم، چون آن وقت هم من و هم استاد مشاورم فکر می‌کردیم که این کار خوبی است. ما در واقع نمی‌دانستیم که مشغول چه کاری هستیم و اصلاً با این اطلاعات چه کار می‌توان کرد. اما آن چه واضح بود این بود که تا آنموقع تقریباً کسی علاقه‌ای به این موضوع نشان نداده بود. یعنی

کسی نمی‌دانست و یا علاقه‌ای به دانستن این که چه صفحه‌ای با صفحات دیگر پیوند دارد نشان نداده بود. در علوم رایانه شما با کلاف‌های بسیاری سر و کار دارید. برای مثال اینترنت اکنون بیش از ۵ میلیارد لبه و ۲ میلیارد گره دارد. خوب این یک کلاف بسیار عظیم است. به نظرم رسید که می‌توانم این موضوع را به عنوان رساله دکترای خودم مورد بررسی قرار دهم. این موضوع در عین حال سرگرم کننده و عملی به نظر می‌رسید. به هر حال کار را با دنبال کردن این لینک‌ها ادامه دادم. در واقع می‌خواستم بدانم که چه لینک‌هایی به عنوان مثال با صفحه اصلی سایت دانشگاه استنفورد ارتباط دارند. در نهایت ما توانستیم بر اساس تعداد لینک‌هایی که به هر سایت داده شده بود سایت‌ها را رتبه بندی کنیم. بعد دیدیم که رتبه بندی بر اساس این معیار دقیقاً با پیش بینی‌های ما صدق می‌کرد. بنابراین تصمیم گرفتیم از همین روش برای جست و جو در اینترنت استفاده کنیم. بعد تصمیم گرفتیم یک موتور جست و جو طراحی کنیم. همان اوایل کار بود که سرگئی هم که بسیار به کاوش داده‌ها علاقه مند بود به پروژه ملحق شد. اساساً ایده اصلی ما این بود که می‌توانیم یک موتور جست و جو بهتر خلق کنیم. موتورهای جست و جو فاقد شعور هستند و نمی‌توانند میزان اهمیت صفحات را تشخیص دهند. از این رو اگر یک کاربر کلمه «استنفورد» را در یک موتور جست و جو تایپ می‌کرد، موتور جست و جو برای کاربر صفحاتی تصادفی را که در همه آنها کلمه استنفورد ذکر شده بود ردیف می‌کرد. در حالی که در مدل گوگل اهمیت یک صفحه را تعداد لینک‌هایی که به آن داده شده مشخص می‌کند. در رتبه بندی نتایج نیز از همین الگوریتم استفاده می‌شود.

لری ، تو در ۲۵ سالگی مدیر ارشد اجرایی شرکتی چون گوگل شدی. چه چالش‌ها ، سختی‌ها و ناکامی‌هایی را برای رسیدن به موقعیت کنونی در سنی به این پایینی تجربه کرده‌ای؟

به نظرم سن و سال مسئله بسیار مهمی است. اگر از نقطه نظر مدیریت افراد و نیروی انسانی ، استخدام و به طور کلی این قبیل مسائل به موضوع نگاه کنیم ، آن وقت می‌بینیم که سن و سال کم یک نقطه ضعف و البته یک مانع بزرگ به شما می‌رود. بدون شک نقطه ضعف‌هایی که من اکنون با آن مواجه هستم بیشتر نقطه ضعف‌هایی است که در طول زمان برطرف خواهد شد. فردی که ۲۰ سال سابقه مدیریت دارد حتماً تجربیاتی کسب کرده است و بدون شک بزرگ‌ترین ایراد کار من به عنوان مدیر ارشد اجرایی فقدان تجربه مدیریتی است و البته تلاش می‌کنم به روش خود با مسئله روبه‌رو شوم. مثلاً تلاش می‌کنم درک کاملی از جهت گیری امور به دست آورم یا بینش و چشم اندازی از آینده را به تصویر بکشم و یا صنعتی را که در آن هستم به خوبی درک کنم. در عین حال تلاش می‌کنم درک کاملی از آن چه شرکت گوگل انجام می‌دهد به دست آورم. همچنین این مسئله را که گوگل شرکتی است که باید ۲۴ ساعت در شبانه روز کار کند و باید همین روند را ادامه دهد همواره مد نظر قرار می‌دهم. به نظرم با این تلاش‌ها می‌توانم تا حدی بی تجربگی ناشی از جوانی را جبران کنم.

تو چطور سرگئی ، تو به عنوان یک مدیر ارشد اجرایی جوان با چه مشکلات و چالش‌ها و موانعی مواجه هستی؟

اجازه بدهید این مشکلات را فهرست وار برایتان نقل کنم. چالش اول ، ارائه خدماتی است که رضایت میلیون‌ها نفر از کاربران را تامین کند. وقتی هنوز در استنفورد بودم روزانه فقط ده هزار نفر کاربر به موتور جست و جو گوگل مراجعه می‌کردند اما اکنون روزانه صدها میلیون عملیات جست و جو توسط گوگل انجام می‌شود. این روند ، ارتقای زیر ساخت‌ها را می‌طلبد که خود چالشی بزرگ به شمار می‌رود. به نظرم مدیریت نیروها ، حساس بودن به لحاظ عاطفی و کسب

مهارت های لازم برای ارتباط با مردم همگی چالش های بزرگی به شمار می روند. من از آموختن لذت برده ام و همواره آموختن برای من بیشترین اهمیت را داشته است.



آیا به عنوان فرزند یک خانواده مهاجر که از روسیه به آمریکا آمده اند با مشکلات و چالش های خاصی مواجه بودی؟

اگر چالش هم وجود داشته من از آن سود برده ام. من در شش سالگی به آمریکا آمدم. بنابراین به محض ورود به مدرسه ابتدایی رفتم. هیچ وقت خودم را در مدرسه آدم محبوبی نمی دانستم ، اما چندان هم برایم اهمیت نداشت. البته همیشه دوستانی داشتم. به نظرم بزرگ شدن در آمریکا و ترک روسیه برای من یک شانس بزرگ بود. البته می دانم که والدینم در سال های اولیه زندگی در آمریکا با سختی های بسیاری مواجه بودند. از آنها برای اینکه مرا به آمریکا آوردند سپاسگذارم.

به نظر می رسد که جوانان هم سن و سال شما تفکر ۲۴/۷ (کار در هفت روز هفته و هر ۲۴ ساعت روز) را بنیان گذاشته اند. آیا فکر نمی کنید چنین تفکری بنیان اصلی موفقیت حرفه ای شما را تشکیل می دهد؟

لری پیچ: به نظرم این نوع تفکر به آدم کمک می کند کاملاً بر روی کاری که می کند تمرکز کند. این تفکر در عین حال کمک می کند که آدم ساعت های طولانی کار کند و من همواره تلاش کرده ام در زندگی توازن برقرار کنم. به نظرم بچه های زیادی در مدرسه با این تفکر رشد می کنند. آنها واقعاً سخت کار می کنند. به نظرم می شود در مقطعی از زندگی سخت و بی وقفه تلاش کرد اما نمی شود این روند را بدون توقف در تمام طول زندگی ادامه داد. در مقطعی از زندگی است که فرد نیاز به تشکیل خانواده دارد و یا زمانی فرا می رسد که آدم دوست دارد کارهای مورد علاقه اش را انجام دهد. می خواهم بگویم که جوان بودن مزیت بزرگی است. خوب در جوانی آدم مسئولیت زیادی ندارد.

به عنوان پرسش آخر ، فکر می کنید ۱۰ سال یا ۲۰ سال دیگر گوگل چه جایگاهی خواهد داشت؟

لری پیچ: «هوش مصنوعی» نسخه ی نهایی گوگل خواهد بود. بنابراین ما تلاش خواهیم کرد نسخه نهایی گوگل ماشینی باشد که تمام اینترنت را می فهمد. این ماشین قادر خواهد بود آن چه را که شما به دنبال آن هستید درک کند و بنابراین قادر خواهد بود همان چیزی را که می خواهید به شما عرضه کند. این آشکارا همان هوش مصنوعی است. ماشینی که می تواند به هر سوالی که دارید پاسخ دهد. زیرا تمام پاسخ های مورد نیاز در اینترنت قرار دارد. البته تا آن زمان فاصله بسیار بسیار زیادی داریم. اما بدون شک می توانیم روز به روز به آن نزدیک تر شویم. این همان هدف نهایی است که ما به سوی آن در حرکتیم. این هدف از دیدگاه فلسفی نیز

بسیار جذاب است. ما تمام داده ها را در اختیار داریم که می توانیم صدفبار از تمام اطلاعات اینترنت کپی کرده و آن را ذخیره کنیم. پس می بینید که ما مجموعه ای از توانایی ها و قابلیت های جالب را در اختیار داریم ، قدرت محاسباتی بالای در اختیار داریم و در عین حال مقدار زیادی اطلاعات در اختیار داریم که قبلاً در دسترس نبودند. از دیدگاه مهندسی و علمی ساختن مجموعه ای منسجم با این امکانات خود یک چالش جذاب فکری و علمی به شمار می رود. انتظار خود من این است که ر نهایت این کار را انجام دهیم. البته جدای از موضوع گوگل من به مسائل دیگری نیز علاقه مند هستم که یکی از آنها مسئله حمل و نقل و انرژی پایدار است. تا به حال محض سرگرمی چند وسیله هم اختراع کرده ام. اما متأسفانه به دلیل نداشتن وقت کافی نتوانستم طرح هایم را به آخر برسانم.

لری پیچ در ویکی پدیا - سرگئی برین در ویکی پدیا

مصاحبه از Achievement.org

پایان